



آزمون ۱۵ خرداد ماه ۹۴

پاسخ تشریحی گروه آزمایشی علوم انسانی

ردیف	مواد امتحانی	صفحه‌ی
۱	زبان و ادبیات فارسی (عمومی)	۴
۲	زبان عربی (عمومی)	۶
۳	ریاضی	۱۱
۴	اقتصاد	۱۳
۵	زبان و ادبیات فارسی (اختصاصی)	۱۴
۶	زبان عربی (اختصاصی)	۱۶
۷	تاریخ	۱۸
۸	جغرافیا	۱۹
۹	علوم اجتماعی	۲۰
۱۰	فلسفه و منطق	۲۱
۱۱	روان شناسی	۲۳

تعداد سؤال‌ها و زمان پاسخ‌گویی به سؤال‌ها دقیقاً مشابه کنکور سراسری سال قبل (۹۳) در نظر گرفته شده است.

پدید آورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
زبان و ادبیات فارسی	فائزه جعفری، رویا رحمانی، محسن اصغری، مریم شمیرانی، سیدجمال طباطبایی نژاد، کاظم کاظمی، سعید گنج‌بخش‌زمانی، مرتضی منشاری
عربی	درویشعلی ابراهیمی، صادق پاسکه، حسین رضایی، احمد طریقی، سید محمدعلی مرتضوی
فرهنگ و معارف اسلامی	امین اسدیان‌پور، مسلم بهمن‌آبادی، حامد دورانی، محمدحسن فضلعلی، مرتضی محسنی کبیر، داوود محمدی، علیرضا نظری، سیداحسان هندی
زبان انگلیسی	شهاب اناری، بهرام دستگیری، میرحسین زاهدی، حبیب‌الله سعادت، میلاد قریشی، رضا کیاسالار، جواد مؤمنی، علیرضا یوسف‌زاده

نام درس	نام طراحان
ریاضی	محمد بحیرایی، جاوید بهبودی، ایمان چینی‌فروشان، سعید جلالی، لیلیا حاجی‌علیا، کوروش داودی، حمیدرضا سجودی، سارا شریفی، مهدی ملارمضانی
اقتصاد	نسرتین جعفری، سارا شریفی، آرمان عاشورا اردلان
ادبیات فارسی	مینا توکلی‌نژاد، رضا جان‌نثار کهنه‌شهری، فائزه جعفری، سپهر حسن‌خان‌پور، نسرتین حق‌پرست، ساجد رحیمی‌زاد، سیدجمال طباطبایی‌نژاد، بهجت فروزانفر، حمید لنجان‌زاده ی اصفهانی
عربی	درویشعلی ابراهیمی، صادق پاسکه، حسین رضایی، عمادالدین صالحیان، احمد طریقی، سید محمدعلی مرتضوی، ولی‌الله نوروزی
تاریخ	ماهان آشوری، فرشاد رودباری، فاطمه سخایی، عمادالدین صالحیان، علی‌محمد کریمی، آرمین معمار
جغرافیا	ماهان آشوری، مریم احمدی، فاطمه سخایی، علی‌محمد کریمی، آذر محمودی، آرمین معمار، آزاده میرزایی
علوم اجتماعی	ماهان آذربزوه، ماهان آشوری، مهران افشاری، معصومه رضا، حسن قدیری، اعظم محمدی، آذر محمودی، آرزو مهریابا، بهروز یحیی
منطق و فلسفه	عاطفه‌ریابه صالحی، محمدصادق لطفی، ندا یاری
روان‌شناسی	مریم احمدی، بهاره اکبری، مینا توکلی‌نژاد، رویا رحمانی، آذر محمودی

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستاران
ادبیات عمومی	رویا رحمانی مرتضی منشاری	رویا رحمانی الهام محمدی	محسن اصغری مریم شمیرانی سعید گنج‌بخش‌زمانی حمید لنجان‌زاده اصفهانی
عربی عمومی	سید محمدعلی مرتضوی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی، احمد طریقی
فرهنگ و معارف اسلامی	امین اسدیان‌پور مسلم بهمن‌آبادی سیداحسان هندی	حامد دورانی	صالح احصائی سکینه گلشنی
زبان انگلیسی	رضا کیاسالار	جواد مؤمنی	طراوت سروری، رشید شفیعی احمد صوفی‌محمودی
ریاضی	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	حسین اسفینی، ایمان چینی‌فروشان، مهدی ملارمضانی
اقتصاد	سارا شریفی	سارا شریفی	نسرتین جعفری
ادبیات اختصاصی	سپهر حسن‌خان‌پور، نسرتین حق‌پرست	سپهر حسن‌خان‌پور، نسرتین حق‌پرست	رویا رحمانی
عربی اختصاصی	سید محمدعلی مرتضوی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی، احمد طریقی
تاریخ	ماهان آشوری	ماهان آشوری	آذر محمودی، آرمین معمار
جغرافیا	آذر محمودی	آذر محمودی	ماهان آشوری، آرمین معمار
علوم اجتماعی	آذر محمودی	آذر محمودی	ماهان آشوری، آرمین معمار
منطق و فلسفه	ندا یاری	ندا یاری	عاطفه‌ریابه صالحی، فرحناز خان‌محمدی
روان‌شناسی	مریم احمدی	مریم احمدی	رویا رحمانی

گروه فنی و تولید

مدیران گروه	زهره نعمتی (اختصاصی)، مسعود اعتصامی (عمومی)
مسئول دفترچه	سارا شریفی (اختصاصی)، فاطمه منصورخاکی (عمومی)
گروه مستندسازی	مدیر: مریم صالحی، مسئول دفترچه (اختصاصی): زهره قموشی، مسئول دفترچه (عمومی): لیلیا ایزدی
حروف چین	زهره فرجی، زهرا کاظم‌پور (عمومی)، لیلیا عظیمی (اختصاصی)
ناظر چاپ	حمید محمدی



داوطلبین گروه علوم انسانی (سال چهارم)

برای دیدن پاسخ سؤال‌های درس‌های فرهنگ و معارف اسلامی و زبان انگلیسی به دفترچه‌ی عمومی مشترک سایر رشته‌ها مراجعه نمائید.

زبان و ادبیات فارسی (عمومی)

۷- (رویا رعمانی)

عزیزالدین بن محمد نسفی، از مشاهیر و عرفای بزرگ قرن هفتم و از پیروان «سعدالدین حموی»، کتاب انسان کامل را در ۲۲ جزء تألیف کرد.

(ادبیات فارسی (۳)، صفحه‌های ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۳ و ۱۷۵)

۸- (ممنن اصغری)

«شرح احوال و آثار رودکی» از استاد سعید نفیسی / «آینه‌های ناگهان» اثر «قیصر امین‌پور» / «ادبیات و تعهد در اسلام» اثر محمدرضا حکیمی / «ترجمه‌ی تاریخ طبری» معروف به «تاریخ بلعمی» از «یوعلی محمد بلعمی» است.

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌های ۴۵، ۹۱، ۱۰۷، ۱۲۵ و ۱۳۸)

۹- (سیدجمال طباطبایی نژاد)

الگوی هجایی «اسم و دوست» ← (صامت + مصوت + صامت + صامت)
الگوی هجایی «آسوده و نامهای» ← (صامت + مصوت / صامت + مصوت + مصوت)
الگوی هجایی «خوردن و داستان» ← (صامت + مصوت + صامت) (صامت + مصوت + صامت)
(صامت)

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲»: فقط «داوری» با «آسوده» هماهنگی دارد.

گزینه‌ی «۳»: فقط «نُست» با «اسم» هماهنگی دارد (توجه: گِره: ۵ واج دارد).

گزینه‌ی «۴»: واژه‌های «درد» یا «اسم» و «گفتار» با «خوردن» هماهنگی دارند.

(زبان فارسی ۳، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

۱۰- (رویا رعمانی)

در بیت گزینه‌ی «۲»، «می‌کن» فعل امر مستمر است: هر سلطنتی که می‌خواهی، بکن که دلپذیر هستی.

(زبان فارسی ۳، صفحه‌ی ۱۳۱)

۱۱- (سیدجمال طباطبایی نژاد)

بی‌علاقگی ← بی + علاقه + گی / کشتارگاه ← کشت + ار + گاه / ناهماهنگی ← نا + هم + آهنگ + ی / کوزه‌گری ← کوزه + گر + ی

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: نمکدان ← نمک + دان / تنومند ← تن + اومند (مند) / جشنواره ← جشن + واره / نخواندنی ← ن + خواند + ن + ی

گزینه‌ی «۳»: شاگردانه ← شاگرد + انه / خورنده ← خور + نده / ستایشگری ← ستای + ش + گر + ی / لابلالی‌گری ← لابلالی + گری

گزینه‌ی «۴»: چوبینه ← چوب + ینه / هنرمندانه ← هنر + مند + انه / رهاش ← ره + ا + ش / آلوده ← آلود + ه

(زبان فارسی ۳، صفحه‌های ۹۹ تا ۱۰۳)

۱- (سیدجمال طباطبایی نژاد)

رفع کردن: شکایت کردن، دادخواهی کردن / امل: امید، آرزو / تک و پوز: سر و وضع، قیافه‌ی ظاهری / ستوه: ملول، درمانده / عنود: ستیزه‌کار

(ادبیات فارسی ۲، صفحه‌های ۱۱، ۳۲ و فهرست واژگان)

۲- (رویا رعمانی)

جلیس: هم‌نشین، دوست / عتیق: دیرینه، گذشته، کهنه / سراج: خانه‌ی کوچک / زعارت: تندخویی، بدخلقی / فرس: فارس، ایران / نقیب: رئیس و بزرگ قوم

(ادبیات فارسی (۳)، فهرست واژگان)

۳- (سعیدکنج‌پوش‌زمانی)

نحل: زنبور عسل

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، فهرست واژگان)

۴- (مرتضی منشاری - اریزل)

املا‌ی درست واژه‌ها عبارت‌اند از:

۱- غربت ← قربت / ۲- ثواب ← صواب / ۳- سلاح ← صلاح

(زبان و ادبیات فارسی ۳، ترکیبی)

۵- (رویا رعمانی)

به‌ترتیب در گزینه‌های «۲، ۳، ۴» املا‌ی کلمات «تافه، تصویه و عظت» نادرست و درست آن‌ها، «طاقه، تسویه و عزت» است.

(زبان فارسی (۳)، ترکیبی)

۶- (سعیدکنج‌پوش‌زمانی)

«مرأة‌البلدان، خیرات‌الحسان، مطلع‌الشمس، منتظم‌ناصری، المآثر و الآثار»:

محمدحسن‌خان‌صنیع‌الدوله / «سراب، سیاه‌مشق، نخستین نغمه‌ها، شبگیر»: هوشنگ ابتهاج / «از بودن و سرودن، از زبان برگ، شبخوانی، بوی جوی مولیان، در کوچه‌باغ‌های نیشابور، مثل درخت در شب باران، صور خیال در شعر فارسی، موسیقی شعر و تصحیح و توضیح اسرارالتوحید»: محمدرضا شفیعی کدکنی / «جام جهان‌بین، صفیر سیمیرغ، آواها و ایماها، روزها»: محمدعلی اسلامی ندوشن

(ادبیات فارسی ۲، صفحه‌های ۱۰۴، ۱۳۰، ۱۳۸ و ۱۵۱)

(کافم کاظمی)

بیت «د»: حزم / بیت «ه»: پیش‌گیری / بیت «ج»: ناکامی / بیت «ب»: آزادی / بیت «الف»: تقدیرگرایی

توجه: حزم: دوراندیشی، هوشیاری، پیش‌بینی

تقدیرگرایی: اعتقاد به قضا و قدر، باور داشتن به قسمت ازلی که برای انسان رقم خورده است.
(اربیات فارسی ۲، ترکیبی)

(مرتضی منشاری - اردبیل)

در گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ «کردار بر گفتار ترجیح داده شده است، اما شاعر در گزینه‌ی «۲» می‌گوید: از کردار و عمل، برای ما بهره‌ای نیست. از ما همین گفتار بر جای می‌ماند.
(اربیات فارسی ۲، مشابه صفحه‌ی ۱۱۴)

(مریم شمیرانی)

در عبارت صورت سؤال و گزینه‌ی «۳» موضوع محوری این است که چون بنده، عمل شایسته‌ی بهشت ندارد پس نمی‌تواند به آن تکیه کند، بلکه امید به فضل و بخشش خداوند دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: اگر از دوزخ نمی‌ترسم به دلیل غفلتم نیست، بلکه از اعمالم مطمئنم.
گزینه‌ی «۲»: فضل تو حور و بهشت و کوثر می‌سازد.
گزینه‌ی «۴»: فرومایه با علم و عمل خود بهشت را به‌دست می‌آورد، نه محبوب را و این تجارت او خسارت است.
(اربیات فارسی ۲، صفحه‌ی ۱۸۱)

(فائزه یغفری)

بیت گزینه‌ی «۲» با حدیث صورت سؤال ارتباط معنایی دارد. معنی حدیث قدسی صورت سؤال چنین است: هرگاه بنده‌ام را دوست بدارم، خود، گوش و چشم و زبان و دست او خواهم شد؛ با من می‌شوند، با من می‌بیند، با من سخن می‌گوید و با من خشم می‌گیرد. (هر کاری انجام دهد عین اراده و فعل من است)

(اربیات فارسی ۳)، صفحه‌ی ۱۱۵

(فائزه یغفری)

بیت سؤال به سخن گفتن و پرهیز از سکوت اشاره دارد اما بیت گزینه‌ی «۳» به سکوت تأکید می‌کند. این دو مفهوم، مقابل و متضاد هم هستند.

(اربیات فارسی ۳)، صفحه‌ی ۵۸

(مریم شمیرانی)

«برمی‌خیزیم، خواهیم ایستاد، دراز کشیده‌اند» ← افعال ناگذر که جملات دوجزئی می‌سازند
(ب) کهنه نمی‌شوند. (سه‌جزئی با مسند) / گل‌های سپید خشکاش باز شده است
(سه‌جزئی با مسند) / محصول نهایی‌شان سم مؤثری است. (سه‌جزئی با مسند)
(زبان فارسی ۳، صفحه‌ی ۴۴)

(مرتضی منشاری - اردبیل)

در متن ارائه‌شده، چهار مورد وابسته‌ی پسین نیست: ۱- «تر» در دلگیر تر ۲- «ی» در «گوارایی»، یا مصدری است و وابسته‌ی پسین محسوب نمی‌شود. ۳- «بلند»: چون همّت پادشاهان بلند بود ← «بلند» نقش مسندی دارد. ۴- فراخ: مسند
(زبان فارسی ۳، صفحه‌ی ۶۰)

(مرتضی منشاری - اردبیل)

جناس: چین (کشور چین) و چین (شکن زلف) / «صنم» استعاره از «معشوق» / «عالم» مجاز از «مردم عالم» / تناسب: چین و زلف
(زبان و ادبیات فارسی، آرایه‌ی ترکیبی)

(کافم کاظمی)

در بیت گزینه‌ی «۱»، چهار تشبیه وجود دارد:
«چوگان سعادت» / «گوی مراد» / «گوی دل» / «زلف چو چوگان»

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲»: «شمع عارض» تشبیه
گزینه‌ی «۳»: تشبیه: قد سرو / قبای ناز
گزینه‌ی «۴»: تشبیه دل به غنچه
(زبان و ادبیات فارسی، آرایه‌ی ترکیبی)

(کافم کاظمی)

ج) تشبیه: سیمرغ وهم / باز (شاهین) همّت
ب) حسن تعلیل: دلیل خاموش بودن شمع، مراعات حال پروانه و نسوزاندن بال‌های او دانسته شده است.

د) تناقض: جامه‌ی عریانی

الف) ایهام تناسب: دستان ← ۱) نیرنگ، حیل (معنی مورد نظر) ۲) لقب زال (که با رستم و زال تناسب دارد).

زال ← ۱) پیر، کهنسال (معنی مورد نظر) ۲) پدر رستم (که با رستم و دستان تناسب دارد).

ه) اسلوب‌معادله: سرمایه‌ی ظالم، از غارت ضعفا حاصل می‌شود، همان‌طوری که خوراک شعله‌ی آتش از خس و خاشاک فراهم می‌شود.

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه‌ی ترکیبی)

عربی عمومی

(۲۶) (امیر طریقی)

«تَكَلَّمَ تُعْرَفُ»: سخن بگو تا شناخته شوی (که) / «مَنْ أُنْتُ»: تو کیستی / «وَمَنْ صَاحِبْتُ»: و با چه کسی دوستی کردی / «لَأَنَّ الصَّاحِبَ»: زیرا که دوست / «يُعْتَبَرُ بِصَاحِبِهِ»: با دوستش ارزیابی می‌شود / «عَادَةً»: معمولاً، مطابق معمول

تشریح مفهم درسی:

هرگاه یک فعل مضارع به دنبال یک فعل طلبی مانند فعل امر بیاید، بدون این‌که به آدات جزم نیاز داشته باشد، به مضارع مجزوم تبدیل می‌شود، مانند: «اجْتَهِدْ تَجْحُ»: بکوش تا موفق شوی. (عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

(۲۷) (درویشعلی ابراهیمی)

«عُرِفَ»: شناخته شده است / «منذ القديم»: از (زمان) قدیم / «أَنَّ»: که / «المخلوقات الحیة»: آفریدگان زنده / «فی حاجة»: نیازمند، محتاج / «لاشک»: شکی نیست، هیچ شکی نیست / «معظم»: بیش‌تر، اغلب / «قد تکون»: تشکیل شده است

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۲»: «شناخته‌اند - به‌وجود می‌آید» نادرست است.
گزینه‌ی «۳»: «گذشته‌ها - با آب زنده‌اند - بیش‌تر از آب» نادرست است.
گزینه‌ی «۴»: «همان - همه‌ی - شدید - تمام - رشد کرده است» نادرست است.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

(۲۸) (سیدمهرعلی مرتضوی)

«كانت تضج»: (در این‌جا) بر بود / «صوت الرياح»: صدای بادها / «كنت أ شاهد»: می‌دیدم / «أضواء»: نورهایی / «زجاج نافذة الغرفة»: شیشه‌ی پنجره‌ی اتاق.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

(۲۹) (سیدمهرعلی مرتضوی)

« قضاء حاجة مؤمن ..»: برطرف‌کردن نیاز مومنی که ... / «ظهرت»: (جمله‌ی وصفیه) ظاهر شده است / «وجهه»: چهره اش / «علامات الحزن»: نشانه‌های غم / «اکثر.. ثوابا»: (اسلوب تمییز) ثوابش .. بیش‌تر است / «ألف حجة»: هزار حج

(عربی (۳)، ترکیبی)

(۳۰) (درویشعلی ابراهیمی)

«تتقدم»: پیشرفت می‌کنند (در این‌جا) / «تأنس»: انس می‌گیرد (انس می‌گیرند) / «النفوس»: جان‌ها (جمع النفس)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «کتاب بهترین وسیله برای بافرهنگ کردن افراد جامعه است!» صحیح است.

گزینه‌ی «۳»: «و مطالعه‌ی کتاب‌ها اندیشه‌های ما را به رازهای طبیعت و زندگی رهنمون می‌کنند!» صحیح است.

گزینه‌ی «۴»: «و گویا کتاب‌ها بوستان‌های دانشمندان و برگ‌های آن‌ها گل‌هایی عطر آگین‌اند!» صحیح است.

(عربی (۳)، ترکیبی)

۲۲-

(فائزه هعفری)

دو بیت گزینیه‌ی «۲» با یکدیگر قرابت معنایی ندارند.

بیت اول: نزدیکی معشوق با من همانند نزدیکی موج دریا و ساحل است، همیشه با من و در عین حال از من گریزان است.

بیت دوم: نه با آب و دانه الفتی داشت و نه خواب و آرامش داشت.

(ادبیات فارسی (۳)، ترکیبی)

۲۳-

(سعیرکنج‌پوش‌زمانی)

در ابیات گزینیه‌های «۱، ۲، ۳» به این مفهوم اشاره شده که در راه رسیدن به حقیقت عشق باید سختی‌ها را تحمل کرد، درحالی‌که مفهوم کلی گزینیه‌ی «۴» چنین است: «اوضاع روزگار، به مردم آگاه آزار می‌رساند».

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۲۵)

۲۴-

(مریم شمیرانی)

در بیت صورت سؤال و گزینیه‌ی «۱، ۳، ۴»، شاعر بر این اصل است که لیلی را باید به چشم مجنون دید تا حال او را درک کرد، در حالی که در گزینیه‌ی «۲» شاعر معتقد است که هر کس که عشق لیلی را ندارد، او مجنون و دیوانه است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «معشوق من در نظر همه جلوه می‌کند، اما آن‌چه را که من می‌بینم دیگران نمی‌بینند».

گزینه‌ی «۳»: «مدعی که از محبوب من عیب‌جویی می‌کند، باید بداند که من لیلی خویش را به چشم مجنونی دیده‌ام».

گزینه‌ی «۴»: «عقلان می‌دانند که درک اسرار لیلی که فقط بر مجنون آشکار است، برای آنان ممکن نیست».

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۳۶)

۲۵-

(مسمن اصغری)

در بیت صورت سؤال، سعدی خود را مسبب گرفتارشدن در دام عشق معشوق می‌داند و مفهوم مقابل آن، یعنی این‌که معشوق موجب گرفتارشدن عاشق باشد، در بیت گزینیه‌ی «۱» بیان شده است.

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۳۳)

۳۱-

(امیر طریقی)

با توجه به معنای عبارت مورد سؤال، یعنی «هرکس دریا را بخواهد، رودهای کوچک را اندک و ناچیز می‌شمارد!»، بیت فارسی گزینه‌ی «۱» از جهت مفهوم، به آن نزدیک‌تر است، زیرا که در این بیت فارسی، بر بلند بودن همت انسان و داشتن خواسته‌های بزرگ و بلند، تکیه دارد و تأکید می‌کند که نباید به هدف‌ها و خواسته‌های کوچک و ناچیز، توجه نمود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۲»: بر این معنی تأکید شده است که برای رسیدن به معشوق، انسان باید کاملاً عاشق و شیفته‌ی او باشد.

گزینه‌ی «۳»: این معنی آمده است که: «آب دریا را اگر نتوان کشید/ هم به قدر تشنگی باید چشید.»

گزینه‌ی «۴»: صرفاً بر اهمیت تحمل رنج‌ها و زحمات برای رسیدن به مقام‌های بلند و والا، تأکید دارد و هم مفهوم با این بیت فارسی است: «نابرده رنج، گنج، میسر نمی‌شود/ مُرد آن گرفت جانِ برادر، که کار کرد.»

بنابراین، با کمی تأمل، درمی‌یابیم که گزینه‌های «۲، ۳ و ۴» از جهت مفهوم، با عبارت مورد سؤال، قرابتی ندارند.

(عربی (۳)، صفحه‌ی ۷۷)

۳۲-

(امیر طریقی)

ما باید به انجام کارهایی بپردازیم که: «علینا أن نقوم بالأعمال ألتی» / به آن علاقه داریم: «لنا رغبة فیها» / تا بتوانیم: «حتی تقدیر، حتی نستطیع» / پیشرفت را به دست بیاوریم: «تحصل علی التقدّم» / در زندگی مان: «فی حیاتنا»

نکته‌ی مهم درسی:

«رَغِبَ فی ...» علاقه‌مند شد / «رَغِبَ عن ...» بی‌علاقه شد، روگردان شد / «الأعمال ألتی»: کارهایی که / معمولاً در ترجمه‌ی اسم موصول، کلمه‌ی «که» فارسی می‌آید.

(عربی (۳)، ترکیبی)

۳۳-

(سیدمحمدعلی مرتضوی)

هنگامی که: «حینما» / نور: «الضوء» / چشم‌های گریه: «عیون القطة» / می‌رسد: «یصل» / می‌تواند: «تستطیع» / بهتر: «افضل» / همه‌چیز: «کلّ الاشیاء» / ببیند: «در این‌جا تری»

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

ترجمه‌ی متن درک مطلب:

«بیر فرزانه‌ای نزدیک یک جوی آب نشسته بود و به زیبایی آن چه پیرامونش بود می‌اندیشید. در همین هنگام عقربی را دید که در آب افتاده بود و دارد تلاش می‌کند که خود را از غرق شدن نجات دهد. مرد تصمیم گرفت نجاتش دهد. پس دستش را به سوی آن دراز کرد! اما عقرب وی را دشمن پنداشت و از سلاح همیشگی خود استفاده کرد به گونه‌ای دردناک نیشش زد. مرد دست خود را فریاد کنان عقب زد ولی در حالی که یک دقیقه نگذشته بود کار نجات را تکرار کرد. در نتیجه دوباره او را نیش زد پس از دقیقه‌ای برای سومین بار تلاش کرد ... کنار جوی فقط مرد دیگری بود که به دقت این منظره را مشاهده می‌کرد؛ فریاد زد: ای خردمند، آیا از تجربه‌ی اول و دوم پند نگرفتی؟ پس هم‌چنان تلاشت ادامه دارد؟! حکیم چیزی نگفت و کارش را ادامه داد تا این‌که موفق شد. سپس به سمت آن مرد رفت در حالی که می‌گفت: فرزندم، از طبیعت (سرشت) عقرب است که نیش یزند و از سرشت من است که عشق بورزم و مهربانی کنم پس چرا از من می‌خواهی که اجازه دهم سرشت آن به سرشت من چیره شود؟! آری، بسیاری مواقع به‌خاطر بدبینی از رفتار خوب با برخی افراد پشیمان می‌شویم، گمان می‌کنیم که آن‌ها شایستگی آن را ندارند ولی این پشیمانی درست نیست!»

(هسین رضایی)

۳۴-

«خردمند از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود!»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «دیدگاهش پند گرفتن بود نه اینکه جواب بدی، بدی است!»

گزینه‌ی «۲»: دیدگاه مرد حکیم چنین بود.

گزینه‌ی «۳»: «فقط بدکار گرفتار بدی می‌شود!»

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۳۵-

(هسین رضایی)

طبق مفهوم متن: «مهربانی بد فضیلتی است!» نامناسب است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «مدارا کردن چه نیکوست!»

گزینه‌ی «۲»: «بدبینی چه زشت است!»

گزینه‌ی «۴»: «نیکو کاری خوب خصلتی است!»

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۳۶-

(هسین رضایی)

«دقیقه‌ای نگذشته بود که مرد حکیم برای بار دوم اقدام به نجات عقرب کرد!»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «عقرب کسی را که دست به سویس دراز کرده بود، خطری برای خویش نپنداشت!» (خطا)

گزینه‌ی «۳»: «مردی که این منظره را می‌بیند، نجات عقرب را تأیید می‌کند!» (خطا)

گزینه‌ی «۴»: «فقط مرد حکیم عقرب را در آب دید!» (خطا)

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۳۷-

(هسین رضایی)

«مرد حکیم از ما می‌خواهد که با دیگران طبق سرشت خودمان، نه سرشت آن‌ها رفتار کنیم!»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۲»: «با افراد آن‌گونه که با ما رفتار می‌کنند (شبیه خودشان) رفتار کنیم!»

گزینه‌ی «۳»: «با هر شخصی به گونه‌ای که لیاقتش را دارد، بدون مهربانی، برخورد کنیم!»

گزینه‌ی «۴»: «با مردم مطابق اخلاق آن‌ها، نه اخلاق خودمان، رفتار کنیم!»

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۳۸-

(هسین رضایی)

تنها مورد خطا: التَّائِبَةُ (معطوف و مجرور به تبعیت از «الأولی: صفت تقدیراً مجرور»)

کلمات صحیح گزینه‌های دیگر:

جَنْبٌ (مفعول فیه)، التَّهْرُ (مضاف الیه و مجرور)، رَجُلٌ (مستثنای مفرغ و مرفوع به اعراب اسم کان)، آخرُ (اسم غیرمنصرف، صفت و مرفوع به تبعیت از رَجُلٌ)، يُرَاقِبُ (مضارع معلوم و مرفوع)، الْمُنْظَرُ (عطف بیان، تابع مفعول به (هذا) و منصوب)

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۳۹-

(هسین رضایی)

تنها مورد خطا: لَمْ (از حروف جازمه، چون باعث شده حرف عله‌ی فعل معتل به التقاء ساکنین حذف شود).

کلمات صحیح گزینه‌های دیگر:

إِنَّ (از حروف مشبهه بالفعل)، الْحَكِيمُ (اسم إِنَّ و منصوب)، يُقَلُّ (مضارع معتل أجوف مجزوم، واصل ماضی باب مفاعلة)، عَمَلٌ (اسم « مصدر، مفعول به و منصوب، نَحْوُ (مفعول فیه و منصوب)، الرَّجُلُ (عطف بیان و مجرور به تبعیت از « ذلك: مضاف الیه و محلا مجرور»، قاتلاً (حال و منصوب)، مِنْ (حرف جر مبنی بر سکون)، الْعُقْرَبُ (مضاف الیه و مجرور، أَنْ (از حروف ناصبه)، يَلْسَخُ (مضارع منصوب)

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۴۰-

(هسین رضایی)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «متعذّ» نادرست است.

گزینه‌ی «۲»: «فاعله ...» نادرست است.

گزینه‌ی «۳»: «معتل» نادرست است. (عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۴۱-

(هسین رضایی)

«ترید»: فعل معتل أجوف از ریشه‌ی «رود» مرفوع، ثلاثی مزید از باب افعال و فاعل آن ضمیر مستتر «أنت» است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۲»: «مینی للمجهول» نادرست است.

گزینه‌ی «۳»: «مجرد ثلاثی» نادرست است.

گزینه‌ی «۴»: «مجزوم بحرف «لم»» نادرست است.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۴۲-

(هسین رضایی)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «حال» نادرست است.

گزینه‌ی «۳»: «ممنوع من الصرف / تقدیراً» نادرست است.

گزینه‌ی «۴»: «تمییز مفرد» نادرست است.

(عربی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۴۳-

(امجد طریقی)

کلمه‌ی «مَعَادِن»، جمع مکسّر بر وزن «مفاعل» و یک اسم غیرمنصرف است که در این جا، به وسیله‌ی حرف جرّ «فی»، مجرور شده است و چون مضاف است، لذا حالت جرّ آن، با اعراب اصلی است و باید «مَعَادِن» باشد. البته کلمه‌ی «ایران» در این گزینه، تابع «بلاد» و مجرور است، اما به علت غیرمنصرف بودن، مجرور به اعراب فرعی - فتحه، علامت جرّ - شده است.

نکته‌ی مهم در سب:

اگر یک اسم غیرمنصرف، مجرور بشود، حالت جرّ آن، با فتحه‌ی آخر نشان داده می‌شود، مانند: «فی مَعَادِن». اما اگر اسم غیرمنصرف، مضاف باشد یا این‌که «أل» داشته باشد، حالت جرّ آن، با اعراب اصلی کسره نشان داده می‌شود؛ مانند: «فی مَعَادِنِ المَدینة» یا «فی المَعَادِن».

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «قاضیاً» که یک اسم منقوص است، اسم مؤخّر برای «إِنَّ» و منصوب به اعراب اصلی است.

گزینه‌ی «۲»: «أخا» از اسماء خمسه، مفعول به و منصوب به اعراب فرعی (الف) است. و «ذا»، خبر برای «کان» و منصوب به اعراب فرعی (الف) است.

گزینه‌ی «۴»: «أخویب» اسم مثنی، مفعول به و منصوب به اعراب فرعی (یاء) است که البته نون این اسم مثنی بر اثر اضافه، حذف شده است.

(عربی (۲)، صفحه‌ی ۴۴)

۴۴-

(سیدمحمدعلی مرتضوی)

«بعث» فعل معتل اجوف و «خسرت» فعلی صحیح است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «لاتنس» معتل ناقص است. (ن س ی)

گزینه‌ی «۲»: «یغنی» معتل ناقص است. (غ ن ی)

گزینه‌ی «۳»: «لایمحو» معتل ناقص است. (م ح و)

(عربی (۳)، ترکیبی)

۴۵-

(سیدمحمدعلی مرتضوی)

در سایر گزینه‌ها به ترتیب: «صغائر» جمع «صغیره»: صفت مشبیه، «اهم» (اسم تفضیل) و «منشار» (اسم آلت) مشتق هستند.

(عربی (۲)، صفحه‌های ۴ و ۵)

۴۶-

(درویشعلی ابراهیمی)

چون «حَبَّه» مؤنث است، لذا عدد باید به صورت مؤنث یعنی «إحدى عشرة» باشد.

در گزینه‌های «۱، ۲ و ۳» تطابق بین عدد و معدود درست است.

(عربی (۲)، صفحه‌های ۱۰۸ تا ۱۱۰)

۴۷-

(صارق پاسبک)

«زملاء» صاحب حال با علامت اعراب تقدیری (مضاف به ضمیر یاء متکلم) و فعل مضارع «یتکاسلون» حال جمله‌ی فعلیه است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: حال، «ناسیأ» و صاحب آن «لاتنسان» است.

گزینه‌ی «۲»: صاحب حال ضمیر «ک» و حال «وقد امرت» است.

گزینه‌ی «۳»: صاحب حال «اللیالی» است و چون اعراب نصب دارد، علامت اعراب آن ظاهری است.
(عربی (۳)، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)

۴۸-

(سیدمحمدعلی مرتضوی)

در جای خالی نیاز به عبارتی داریم که شامل مفعول مطلق نوعی (بیانی) باشد، در این گزینه، «ظلماً» مفعول مطلق نوعی است، چرا که پس از آن، جمله‌ی وصفیه «یتی اُتره» آمده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: در این گزینه مفعول مطلق وجود ندارد.

گزینه «۳»: «استغفارا» مفعول مطلق تأکیدی است.

گزینه «۴»: «ثوابا» و «حقاً» به ترتیب تمیز و مفعول مطلق برای فعل محذوف هستند.

(عربی (۳)، صفحه‌های ۶۸ و ۶۹)

۴۹-

(احمد طریقی)

در این گزینه، قواعد مربوط به مبحث وصف و اضافه، درست به کار رفته است: «صَحْرَاء»، اسم نکره و منصوب است و جمله‌ی بعد از آن، جمله‌ی وصفیه و محلاً منصوب به تبعیت از موصوف است.

تکنی مهم درسی:

صفت مفرد، از چند جهت، با موصوف خودش مطابقت می‌کند. اگر موصوف، جمع مکتسر می‌باشد که بر غیر انسان دلالت کند، معمولاً صفت آن را مفرد مؤنث می‌آورند: الْأَعْمَالُ الْحَسَنَةُ، جمله‌ای که بعد از یک اسم نکره می‌آید و جزء ارکان جمله‌ی قلبی نیست، جمله‌ی وصفیه است. اگر اسمی که موصوف است، مضاف نیز باشد، صفت، بعد از مضاف‌آلیه می‌آید ولی با موصوفی که مضاف است، مطابقت می‌کند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۲»: کلمه‌ی «الْمُجِدِّ» چون صفت برای «عُمَال» یعنی «کارگران مرد» است، باید «الْمُجِدِّينَ» یعنی جمع مذکر باشد.

گزینه‌ی «۳»: کلمه‌ی «فَلَّاحِينَ» که جمع مذکر سالم است و مضاف نیز واقع شده باید بدون «ن» و به صورت «فَلَّاحِي» باشد.

گزینه‌ی «۴»: کلمه‌ی «الْحَسَنَ» که صفت برای «أعمال» است، باید مؤنث یعنی «الْحَسَنَةُ» باشد، زیرا که موصوف یعنی «أعمال» جمع مکتسری است که بر غیر عاقل (غیرانسان) دلالت دارد.
(عربی (۲)، ترکیبی)

۵۰-

(احمد طریقی)

در این گزینه، «لا» در ابتدای جمله، بر سر فعل مضارع درآمد و آن را مجزوم کرد و در این‌جا حرف عطف وجود ندارد.

تکنی مهم درسی:

«واو» در زبان عربی، انواعی دارد که از جمله‌ی آن، «واو» حرف عطف و «واو» حالیه و «واو» حرف جرّ (واو قسم) است و «لا» نیز انواعی دارد که از جمله‌ی آن، «لا» نفی و «لا» نفی و «لا» نفی جنس و «لا» حرف عطف است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «بَلْ» حرف عطف است.

گزینه‌ی «۳»: «واو» حرف عطف است.

گزینه‌ی «۴»: «لا» حرف عطف است.
(عربی (۳)، صفحه‌ی ۸۰)



پاسخ‌نامه‌ی اختصاصی

بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام) ۰۲۱،۸۴۵۱

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلمچی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

(جاوید بهبودی)

-۱۰۷

$$\text{تعداد دانش‌آموزان با نمره‌ی متوسط} = \frac{f_i}{28} \times 100 = 50 \Rightarrow f_i = \frac{50 \times 28}{100} = 14$$

$$\text{تعداد دانش‌آموزان با نمره‌ی عالی و متوسط} = 7 + 14 = 21$$

$$\text{تعداد دانش‌آموزان با نمره‌ی ضعیف} = 28 - 21 = 7$$

$$\alpha = \frac{7}{28} \times 360 = \frac{360}{4} = 90 \text{ درجه}$$

(آمار و مدل‌سازی، صفحه‌های ۵۴ تا ۵۶ و ۹۲ تا ۹۴)

(سعیر بلالی)

-۱۰۸

افزودن و کاستن عددی ثابت به همه‌ی داده‌ها در واریانس داده‌ها بی‌تأثیر است، اما اگر داده‌ها

۲ برابر شوند، واریانس $(2)^2$ یعنی ۴ برابر می‌شود، پس واریانس جدید ۲۸ و انحراف معیار $2\sqrt{7}$ خواهد بود.

(آمار و مدل‌سازی، صفحه‌های ۱۳۸ تا ۱۵۶)

(عمیررضا سپوردی)

-۱۰۹

$$x + 1 = -2 \Rightarrow x = -3$$

$$f(x+1) = 2x^2 + 3x - 1$$

$$\frac{x=-3}{x} \rightarrow f(-3+1) = 2(-3)^2 + 3(-3) - 1$$

$$\Rightarrow f(-2) = 18 - 9 - 1 = 8$$

(ریاضی سال سوم، صفحه‌های ۱۸ تا ۲۳)

(لیلا هابی علیا)

-۱۱۰

$$(2 - \sqrt{3})x^2 - 2\sqrt{3}x - (\sqrt{3} + 2) = 0 \xrightarrow{\text{مقایسه با فرم استاندارد } ax^2 + bx + c = 0} \begin{cases} a = 2 - \sqrt{3} \\ b = -2\sqrt{3} \\ c = -(\sqrt{3} + 2) \end{cases}$$

$$\Delta = b^2 - 4ac = (-2\sqrt{3})^2 + 4(2 - \sqrt{3})(\sqrt{3} + 2) = 12 + 4 = 16$$

$$x', x'' = \frac{-b \pm \sqrt{\Delta}}{2a} \Rightarrow \begin{cases} x' = \frac{2\sqrt{3} + 4}{2(2 - \sqrt{3})} = \frac{\sqrt{3} + 2}{2 - \sqrt{3}} \\ x'' = \frac{2\sqrt{3} - 4}{2(2 - \sqrt{3})} = \frac{\sqrt{3} - 2}{2 - \sqrt{3}} = -1 \end{cases}$$

$$x' = \frac{2 + \sqrt{3}}{2 - \sqrt{3}} \times \frac{2 + \sqrt{3}}{2 + \sqrt{3}} = \frac{(2 + \sqrt{3})^2}{4 - 3} = (2 + \sqrt{3})^2$$

$$|x' - x''| = \left| (2 + \sqrt{3})^2 - (-1) \right| = |4 + 3 + 4\sqrt{3} + 1| = 8 + 4\sqrt{3}$$

(ریاضی سال سوم، صفحه‌های ۶۲ تا ۷۰)



ریاضیات

(سارا شریفی)

-۱۰۱

$$A = \left(\frac{7^2}{2^5}\right)^2 \times \left(\frac{2 \times 5}{3}\right)^3 \times \left(\frac{3 \times 2^2}{7 \times 5}\right)^3 = \frac{7^4 \times 2^3 \times 5^3 \times 3^3 \times 2^6}{2^{10} \times 3^3 \times 7^3 \times 5^3} = \frac{7}{2}$$

(ریاضی (۱)، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۹)

(سارا شریفی)

-۱۰۲

$$B - (B - A) = \{3, 4, 6, 8, 9\} - \{6, 8, 9\} = \{3, 4\}$$

$$C - (C - A) = \{4, 5, 7, 8\} - \{7, 8\} = \{4, 5\}$$

$$\Rightarrow [B - (B - A)] \cup [C - (C - A)] = \{3, 4, 5\}$$

(ریاضی (۱)، صفحه‌های ۳۸ و ۴۱)

(عمیررضا سپوردی)

-۱۰۳

با استفاده از اتحاد فرعی $a^2 + b^2 = (a - b)^2 + 2ab$ خواهیم داشت:

$$x^2 + y^2 - 2x^2y^2 = (x^2 - y^2)^2 + 2x^2y^2 - 2x^2y^2 = (x^2 - y^2)^2 - 4x^2y^2$$

$$= (x^2 - y^2)^2 - (2xy)^2 \xrightarrow{\text{اتحاد مزدوج}} (x^2 - y^2 - 2xy)(x^2 - y^2 + 2xy)$$

(ریاضی (۱)، صفحه‌های ۸۷ تا ۹۵)

(موری ملارمسانی)

-۱۰۴

$$\left(\frac{x^2 - 2x - 3}{x^2 - 4} + \frac{x - 3}{x}\right) \times \frac{x^2 - x - 6}{x^2 + x}$$

$$= \frac{(x - 3)(x + 1)}{(x - 2)(x + 2)} \times \frac{x}{x - 3} \times \frac{(x - 3)(x + 2)}{x(x + 1)} = \frac{x - 3}{x - 2}$$

(ریاضی (۱)، صفحه‌های ۱۶۱ تا ۱۶۶)

(ایمان پینی قروشان)

-۱۰۵

$$3x^2 - (m + 1)x = 7 \xrightarrow{x=1} 3 - (m + 1) = 7 \Rightarrow m = -5$$

$$2x^2 - mx + 3 = 0 \xrightarrow{m=-5} 2x^2 + 5x + 3 = 0$$

$$\Delta = 25 - 24 = 1$$

$$x_1 = \frac{-5 + 1}{4} = -1$$

$$x_2 = \frac{-5 - 1}{4} = -\frac{3}{2}$$

$x = -1$ جواب بزرگ‌تر است.

(ریاضی (۱)، صفحه‌های ۱۸۵ تا ۱۸۸)

(عمیررضا سپوردی)

-۱۰۶

$$0.231 \times 400 = 92.4$$

قسمت اعشاری را حذف می‌کنیم و یک واحد به قسمت صحیح اضافه می‌کنیم.

$$\text{شماره‌ی نمونه} = 92 + 1 = 93$$

(آمار و مدل‌سازی، صفحه‌های ۲۵ و ۲۶)

(گوروش داوری)

-۱۱۶

$$\log_7^a = \frac{5}{2} \Rightarrow a = (7)^{\frac{5}{2}}, \quad \log_7^b = \frac{3}{2} \Rightarrow b = (7)^{\frac{3}{2}}$$

$$\frac{a}{b} = \frac{(7)^{\frac{5}{2}}}{(7)^{\frac{3}{2}}} = (7)^{\frac{5}{2} - \frac{3}{2}} = 7^1 = 7$$

(ریاضی پایه، صفحه‌های ۷۵ تا ۷۹)

(معمد بصیرایی)

-۱۱۷

ابتدا نسبت ۳۲ دقیقه از یک دوره‌ی زمانی را به دست می‌آوریم:

$$\frac{۳۲}{۴ \times ۶۰} = \frac{۲}{۱۵}$$

فاکتور زوال در یک واحد زمانی برابر $\frac{1}{۲}$ است، بنابراین اگر فاکتور زوال در $\frac{۲}{۱۵}$ واحد زمانی

$$b = \left(\frac{1}{2}\right)^{\frac{۲}{۱۵}} \Rightarrow b = \frac{1}{\sqrt[۱۵]{۲}} = \frac{1}{\sqrt[۱۵]{۲}}$$

b باشد، داریم:

برای بی‌هوش نگه‌داشتن سگ پس از ۳۲ دقیقه باید $۲ \times ۳۰ = ۶۰۰$ میلی‌گرم دارو در بدن سگ باقی بماند، پس:

$$b = \frac{\text{مقدار باقی مانده}}{\text{مقدار کل}} \Rightarrow \frac{1}{\sqrt[۱۵]{۲}} = \frac{۶۰۰}{x} \Rightarrow x = 1/0.9 \times ۶۰۰ = ۶۵۴$$

میلی‌گرم

(ریاضی پایه، صفحه‌های ۹۸ تا ۱۰۴)

(معمد بصیرایی)

-۱۱۸

$$p = \frac{-x}{1} + 3$$

$$R(x) = x \times p = \frac{-x^2}{1} + 3 \cdot x$$

$$P(x) = R(x) - C(x) = \frac{-x^2}{1} + 3 \cdot x - 42 - 6x \Rightarrow P(x) = \frac{-x^2}{1} + 24x - 42$$

(ریاضی پایه، صفحه‌های ۱۰۶ تا ۱۱۲)

(معمد بصیرایی)

-۱۱۹

از میان اعداد روی تاس، اعداد ۲، ۳ و ۵ اول هستند.

مجموع فراوانی‌ها $= 1 + 9 + 12 + 13 + 7 + 9 = 60$.

$$18 \text{ فراوانی ظاهر شدن عدد اول} = 9 + 12 + 7 = 28$$

$$\text{احتمال تجربی ظاهر شدن عدد اول} = \frac{28}{60} = \frac{7}{15}$$

$$\text{احتمال نظری ظاهر شدن عدد اول} = \frac{3}{6} = \frac{1}{2}$$

$$\text{اختلاف موردنظر} = \frac{1}{2} - \frac{7}{15} = \frac{15 - 14}{30} = \frac{1}{30}$$

(ریاضی پایه، صفحه‌های ۱۱۶ تا ۱۲۹)

(معمد بصیرایی)

-۱۲۰

$$\text{تعداد کل مهره‌ها} = 6 + 4 = 10$$

$$n(S) = \binom{10}{2} = \frac{10!}{8! \times 2!} = \frac{10 \times 9 \times 8!}{8! \times 2 \times 1} = 45$$

$$n(A) = \binom{6}{2} + \binom{4}{2} = \frac{6 \times 5}{2} + \frac{4 \times 3}{2}$$

$$= 15 + 6 = 21$$

$$\Rightarrow P(A) = \frac{21}{45} = \frac{7}{15}$$

(ریاضی پایه، صفحه‌های ۱۳۳ تا ۱۲۹)

(سارا شریفی)

-۱۱۱

طرفین معادله را به توان دو می‌رسانیم

$$\rightarrow 6x + 7 = 5x + 1 + \sqrt{5x + 1} + 1$$

طرفین معادله را به توان دو می‌رسانیم

$$\Rightarrow x + 5 = 2\sqrt{5x + 1} \Rightarrow x^2 + 10x + 25 = 4(5x + 1)$$

$$\Rightarrow x^2 + 10x + 25 = 20x + 4 \Rightarrow x^2 - 10x + 21 = 0$$

$$\Rightarrow (x - 7)(x - 3) = 0 \Rightarrow \begin{cases} x - 7 = 0 \Rightarrow x = 7 \\ x - 3 = 0 \Rightarrow x = 3 \end{cases}$$

هر دو جواب فوق در معادله صدق می‌کنند، پس قابل قبول هستند.

(ریاضی سال سوم، صفحه‌های ۷۱ و ۷۲)

(سارا شریفی)

-۱۱۲

کلمه‌ی «رسمباران» از ۸ حرف تشکیل شده که حرف «الف» سه بار و حرف «ر» دوبار در آن تکرار شده است. حال برای ساختن کلمه‌ی سه‌حرفی داریم:

(۱) هیچ کدام از حروف «الف» و «ر» تکرار نشوند. (یعنی فقط از حروف «الف»، «ر»، «س»، «ب»، «ن» بدون تکرار استفاده شود):

$$5 \times 4 \times 3 = 60$$

(۲) فقط یکی از حروف «الف» یا «ر» دو بار در این کلمه استفاده شود:

$$\binom{2}{1} \times \binom{4}{1} \times \frac{3!}{2!} = 2 \times 4 \times 3 = 24$$

(۳) اگر حرف «الف» سه‌بار تکرار شده باشد، یک حالت خواهیم داشت، بنابراین داریم:

$$\text{تعداد کل حالات} = 60 + 24 + 1 = 85$$

(ریاضی سال سوم، صفحه‌های ۱۰۸ تا ۱۲۲)

(همیرضا سپوری)

-۱۱۳

تعداد حالات انتخاب r شیء از n شیء به طوری که شامل k شیء مشخص باشد، برابر است با:

$$\text{تعداد حالات} = \binom{n-k}{r-k}$$

$$18 \text{ اعداد اول اول تا } 18 = \{2, 3, 5, 7, 11, 13, 17\}$$

$$\binom{7-1}{4-1} = \binom{6}{3} = \frac{6!}{3! \times 3!} = \frac{6 \times 5 \times 4 \times 3!}{3 \times 2 \times 3!} = 20$$

(ریاضی سال سوم، صفحه‌های ۱۲۰ تا ۱۲۷)

(همیرضا سپوری)

-۱۱۴

استدلال استنتاجی نتیجه‌گیری کلی بر مبنای حقایق است که درستی آنرا پذیرفته‌ایم.

(ریاضی پایه، صفحه‌های ۱ تا ۱۴)

(گوروش داوری)

-۱۱۵

$$r = n - m \sqrt{\frac{a_n}{a_m}} = 3 \sqrt{\frac{2}{-16}} = 3 \sqrt{-\frac{1}{8}} = 3 \sqrt{\left(-\frac{1}{2}\right)^3} = -\frac{3}{2}$$

$$\lim_{n \rightarrow \infty} S_n = \frac{a_1}{1-r} = \frac{-16}{1 + \frac{1}{2}} = \frac{-16}{\frac{3}{2}} = \frac{-32}{3}$$

(ریاضی پایه، صفحه‌های ۳۱ تا ۴۳)



اقتصاد

۱۲۱-

(نسرین بیغری)

مشاور مالی و مشاور حقوقی: خدمات واسطه‌ای / بولدزر، ساختمان تجاری و تراکتور: کالای سرمایه‌ای / نان، ساختمان مسکونی، میوه، پوشاک و خوراک: کالای مصرفی ضروری / آرد، چرم، ورق آهن و لاستیک خودرو: کالای واسطه‌ای / دندان پزشکی: خدمات (مصرفی)

(اقتصاد، صفحه‌های ۱۳، ۱۵ و ۱۶)

۱۲۲-

(آرمان عاشورالردلان)

الف) اقتصاددانان با تکیه بر مطالعات علمی خود، توانسته‌اند ماهیت روابط علت و معلولی بین پدیده‌های اقتصادی را کشف کنند؛ به همین دلیل، امروزه می‌توان در عرصه‌ی اقتصادی برای رسیدن به هدفی خاص، سیاست‌هایی را طراحی و اجرا کرد و نتایج اجرای آن‌ها را از قبل پیش‌بینی کرد. ب) نیازهای انسان، محرک و برای فعالیت و تلاش است. ج) مملکت «بهترین بودن» این است که با استفاده از این منابع بتوان بیش‌ترین میزان تولید را به‌دست آورد و سطح بالاتری از رفاه را برای انسان فراهم کرد. د) هدف جوامع مصرفی غیراسلامی، افزایش مصرف، رفاه زیاد و تجملات و هدف جامعه‌ی اسلامی، ارتقای سطح فرهنگی و تعالی فکری انسان است. هر دو جامعه در راه رسیدن به خواسته‌های خود سیری ناپذیرند؛ جامعه‌ی غیر اسلامی مصرف بیش‌تر و جامعه‌ی اسلامی، تعالی فکری بیش‌تر را می‌خواهد؛ از این‌رو هر دو جامعه با توجه به خواسته‌هایشان نیازهای نامحدودی دارند و برای رفع این نیازها، به منابع و امکانات نیازمندند.

(اقتصاد، صفحه‌های ۱، ۴، ۸، ۹ و ۱۲)

۱۲۳-

(آرمان عاشورالردلان)

هزینه‌ی استهلاک - تولید ناخالص ملی = تولید خالص ملی

$$۵۰ - \text{تولید ناخالص ملی} = ۲۰۰$$

$$\text{میلیارد ریال } ۲۵۰ = \text{تولید ناخالص ملی} \Rightarrow$$

سه‌م تولید خراجین مقیم کشور - سه‌م تولید مردم کشور که در خارج قلمت دارند + تولید ناخالص داخلی = تولید ناخالص ملی

$$۲۵۰ = ۱۸۰ + ۱۰۰ - x \Rightarrow x = ۳۰$$

میلیارد ریال (اقتصاد، صفحه‌های ۲۳ و ۲۵)

۱۲۴-

(آرمان عاشورالردلان)

الف) کالاهای تولیدی یا برای تأمین نیازهای اولیه‌ی مصرف‌کنندگان (مانند خوراک‌ها، پوشاک و مسکن) یا برای تأمین نیازهای کم‌اهمیت‌تر آنان (مانند لوستر و فرش‌های گران‌قیمت) مصرف می‌شوند. کالاهایی که نیازهای اولیه را برطرف می‌کنند، «کالاهای ضروری» و کالاهای دست‌پاچه دوم، «کالاهای لوکس و تجملی» نام دارند. ب) «حسابداری ملی» شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی است که با ارائه‌ی شاخص‌های متنوع به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد. ج) انسان برای بهره‌برداری از منابع طبیعی به ابزار و تجهیزات نیازمند است. این ابزار و تجهیزات در واقع حاصل کار گذشته‌ی انسان است. عامل سرمایه، کالاهای سرمایه‌ای‌اند که در طول زمان یادوام بوده و خدمات حاصله از آن‌ها در جریان تولید مورد استفاده قرار می‌گیرد.

(اقتصاد، صفحه‌های ۱۶، ۲۰، ۲۳ و ۲۴)

۱۲۵-

(آرمان عاشورالردلان)

الف) بنگاه‌های اقتصادی، سهم عوامل تولید را متناسب با قیمت آن‌ها به صورت مزد، سود و اجاره به خانوارها می‌پردازند. ب) محاسبه‌ی تولید کل به قیمت پایه اثر تغییرات قیمت در محاسبه‌ی تولید کل را از بین می‌برد و تغییرات موجود فقط نشان‌دهنده‌ی تغییر میزان تولید کالاها و خدمات خواهد بود. ج) ارزش تولید کل جامعه عبارت از مجموع ارزش افزوده‌ی بخش‌های مختلف اقتصاد است. این روش محاسبه‌ی تولید کل جامعه، روش تولید یا روش ارزش افزوده نامیده می‌شود. د) نحوه‌ی تصمیم‌گیری و اقدام تولیدکنندگان و نیز واکنش آن‌ها نسبت به تغییرات وضعیت اقتصادی با عنوان «رفتار اقتصادی» شناخته می‌شود.

(اقتصاد، صفحه‌های ۲۷، ۲۹ تا ۳۲ و ۳۵)

۱۲۶-

(سارا شریفی)

$$۸۴۰۰۰ \div ۴ = ۲۱۰۰۰,۰۰۰ = \text{تعداد خانوارها}$$

$$۲۱۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۲۵}{۱۰۰} = ۵,۲۵۰,۰۰۰ = \text{تعداد خانوارهایی که صرفه‌جویی می‌کنند.}$$

$$\text{وات } ۱۸۰ = ۳ \times ۶۰ = \text{میزان صرفه‌جویی هر خانوار}$$

$$\text{مگاوات } ۹۴۵ = ۵,۲۵۰,۰۰۰ \times ۱۸۰ = ۹۴۵,۰۰۰,۰۰۰ = \text{میزان صرفه‌جویی کل خانوارها}$$

$$\text{نفر } ۲۸,۰۰۰,۰۰۰ = \frac{۱}{۳} \times ۸۴,۰۰۰,۰۰۰ = \text{جمعیت جدید استفاده‌کننده از انرژی برق صرفه‌جویی شده}$$

$$\text{خاور } ۵,۶۰۰,۰۰۰ = ۲۸,۰۰۰,۰۰۰ \div ۵ = \text{تعداد خاور جدید استفاده‌کننده از انرژی برق صرفه‌جویی شده}$$

$$\frac{\text{میزان صرفه‌جویی}}{\text{طرفیت تولید برق نیروگاه}} = \frac{۹۴۵}{۵} = \frac{۱}{۴۷۲۵}$$

(اقتصاد، صفحه‌ی ۳۱)

۱۲۷-

(آرمان عاشورالردلان)

الف) انگیزه‌ی مصرف‌کنندگان از خرید کالاها، «رفع نیاز» و انگیزه‌ی تولیدکنندگان از تولید یک کالا «کسب سود» است.

ب) نزولی بودن منحنی تقاضا به این معنی است که با «افزایش» قیمت، مقدار تقاضا «کاهش» یافته و در مقابل با «کاهش» قیمت، مقدار تقاضا «افزایش» می‌یابد.

ج) اگر در بازار قیمت کالایی در حال افزایش باشد می‌گوییم به دلیل «کمبود عرضه» قیمت «به سمت قیمت تعادلی پیش می‌رود».

(اقتصاد، صفحه‌های ۴۷، ۴۷ و ۵۲)

۱۲۸-

(نسرین بیغری)

آن دسته از خط‌مشی‌های دولت که با مالیات گرفتن تحقق می‌یابد، به سیاست مالی، معروف است؛ به عبارت دیگر سیاست مالی به بررسی آثار مالیات بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی، هم‌چون سطح تولید، اشتغال، درآمد و قیمت‌ها می‌پردازد که در گزینه‌های «۱» و «۲» آمده است ولی گزینه‌ی «۴» یکی از روش‌های اعمال سیاست انبساطی پول است.

(اقتصاد، صفحه‌های ۷۸ و ۱۲۷)

۱۲۹-

(سارا شریفی)

الف) بانک مرکزی بنا به درخواست دولت، مبادرت به انتشار اسکناس جدید می‌کند که تأمین‌کننده‌ی بخشی از هزینه‌های دولت است. چنان‌چه اقتصاد در اشتغال کامل باشد و انتشار پول جدید با ارائه‌ی کالای جدید همراه نباشد (چون قدرت خریدی به جامعه وارد شده است که در مقابل آن کالایی وجود ندارد) تورم به همراه خواهد داشت.

ب) حداقل قیمت یک بسته ماکارونی در بازار
میزان مالیات غیرمستقیم + قیمت تمام‌شده‌ی یک بسته ماکارونی در شرکت تولیدکننده‌ی آن

$$\text{تومان } ۲۰۰۰ = ۵۰۰ + ۱۵۰۰ = \text{حداقل قیمت یک بسته ماکارونی در بازار}$$

ج) حداقل قیمت فروش هر واحد کاغذ در بازار
یارانه‌ی پرداختی توسط دولت به تولیدکننده - قیمت تمام‌شده‌ی هر واحد کاغذ برای تولیدکننده‌ی آن

$$\text{A - B} = \text{حداقل قیمت فروش هر واحد کاغذ در بازار}$$

د) «هزینه‌های جاری (عادی)» هزینه‌هایی هستند که به‌طور دائم وجود دارند و متناسب با سیاست‌های دولت، تغییر می‌یابند. با توجه به «شد جمعیت و افزایش درآمد جامعه» در طی زمان، کم‌تر موردی پیش می‌آید که این هزینه‌ها «سیر نزولی» داشته باشند.

(اقتصاد، صفحه‌های ۷۹، ۸۰، ۸۴ و ۸۵)

۱۳۰-

(آرمان عاشورالردلان)

$$\text{میلیارد ریال } ۶۰ = \frac{۶۰۰}{۱۰} = \frac{\text{بهای کالای سرمایه‌ای}}{\text{عمر مفید آن}} = \text{هزینه‌ی استهلاک سالانه‌ی کالا}$$

$$\text{میلیارد ریال } ۱۲۰ = ۶۰ \times \frac{۲۰}{۱۰۰} = \text{میزان افزایش بهای کالا}$$

$$\text{میلیارد ریال } ۷۲۰ = ۶۰ + ۱۲۰ = \text{بهای جدید کالای سرمایه‌ای}$$

$$\text{میلیارد ریال } ۷۲ = \frac{۷۲۰}{۱۰} = \text{هزینه‌ی استهلاک سالانه با احتساب قیمت جدید کالا}$$

$$\text{میلیارد ریال } ۲۱۶ = ۷۲ \times ۳ = \text{مجموع هزینه‌ی استهلاک سه سال آخر (با احتساب قیمت جدید کالا)}$$

(اقتصاد، صفحه‌ی ۸۶)

۱۳۱-

(آرمان عاشور اردلان)

گروه کشورها	درصد نرخ بی‌سوادی بزرگسالان (به طور متوسط)	نرخ مرگ‌ومیر نوزادان (در هر ۱۰۰۰ نفر)	امید به زندگی در بدو تولد
۵۰ کشور در حال توسعه (با پایین‌ترین سطح درآمد سرانه)	بیش از ۲۵ درصد	بیش از ۱۰۰	کم‌تر از ۵۰ سال
۲۲ کشور توسعه‌یافته	کم‌تر از ۱ درصد	کم‌تر از ۶	بیش از ۷۸ سال

(اقتصاد، صفحه‌ی ۹۶)

۱۳۲-

(سارا شریفی)

$$\frac{\text{سهم دهم}}{\text{سهم دهک اول}} = \frac{۲۰}{۴} = ۵$$

می‌خواهیم در سال جاری وضعیت مناسب‌تری در توزیع درآمد داشته باشیم، بنابراین شاخص وضعیت توزیع درآمد در سال جاری باید کم‌تر از ۵ باشد. طبق فرض مسئله در سال جاری سهم دهک دهم برابر با ۲۵ درصد است، اگر سهم دهک اول برابر با ۵ درصد باشد، شاخص وضعیت توزیع درآمد در سال جاری با سال گذشته برابر می‌شود. برای داشتن توزیع مناسب‌تر درآمد در سال جاری، سهم دهک اول باید حداقل از ۵ درصد بیش‌تر گردد.

(اقتصاد، صفحه‌ی ۱۰۱)

۱۳۳-

(آرمان عاشور اردلان)

$$\text{واحد پولی} = ۲۰۰۰ = \frac{۲}{۳} \times ۳۰۰۰ = \text{ارزش مسکوکات}$$

میزان سپرده‌های غیردیداری + میزان سپرده‌های دیداری + میزان مسکوکات + میزان اسکناس‌ها = میزان نقدینگی

$$\text{واحد پولی} = ۵۸۰۰ = ۳۰۰۰ + ۲۰۰۰ + ۸۰۰ = \text{میزان نقدینگی}$$

میزان سپرده‌های دیداری (جاری) + میزان مسکوکات + میزان اسکناس‌ها = حجم پول

$$\text{واحد پولی} = ۵۳۰۰ = ۳۰۰۰ + ۲۰۰۰ + ۳۰۰ = \text{حجم پول}$$

$$۸۰۰ = \text{میزان سپرده‌ی غیردیداری} + \text{میزان سپرده‌ی دیداری}$$

$$\text{واحد پولی} = ۵۰۰ = \text{میزان سپرده‌ی غیردیداری} \Rightarrow ۸۰۰ = \text{میزان سپرده‌ی غیردیداری} + ۳۰۰$$

سپرده‌ی پس‌انداز + سپرده‌ی مدت‌دار = سپرده‌ی غیردیداری

$$\text{واحد پولی} = ۱۰۰ = \text{سپرده‌ی پس‌انداز} \Rightarrow \text{سپرده‌ی پس‌انداز} = ۴۰۰ + ۵۰۰$$

(اقتصاد، صفحه‌های ۱۱۹، ۱۲۰ و ۱۲۳)

۱۳۴-

(سارا شریفی)

(الف) بانک‌های «تخصصی» به منظور کسب سود، «وراق مشارکتی» را که دولت یا مؤسسات اعتباری منتشر کرده است، خریداری می‌کنند. آن‌گاه این اوراق را به مبلغی بیش از مبلغ خرید به سپرده‌گذاران خود می‌فروشند. این فعالیت بانک را «عملیات مالی» می‌گویند.

(ب) بانک‌های اسلامی درآمد خود را از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم در طرح‌های تولیدی و عمرانی کسب می‌کنند.

(ج) خرید دین: طبق این قرارداد، بانک‌ها می‌توانند «اسناد و اوراق تجاری» متعلق به واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی را «تنزیل» کنند.

(د) در شرایطی که حجم پول موجود برای انجام معاملات کافی باشد، اگر بانک‌ها وام اعطا نمایند، حجم پول در گردش جامعه افزایش می‌یابد و زمینه‌ی بروز تورم فراهم می‌شود.

(ه) بانک مرکزی با ایجاد «سیستم خاص کنترل» سیاست‌های خود را از طریق سیاست‌های پولی متناسب با «شرایط اقتصادی کشور» اعمال می‌کند و بانک‌ها را در جهت ارائه‌ی خدمت و هماهنگی با اقتصاد به فعالیت وامی‌دارد. این بانک مسئولیت «کنترل شبکه‌ی بانکی و اداره‌ی سیاست پولی» را با هدف «حفظ ثبات پولی کشور» برعهده دارد.

(و) منظور از اوراق بهادار، اوراقی است که برای تأمین منابع مالی صادر می‌شود؛ این اوراق به سه دسته‌ی کلی تقسیم می‌شود: ۱- اوراق سهام ۲- اسناد خزانه ۳- اوراق مشارکت

(اقتصاد، صفحه‌های ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸ و ۱۴۲)

۱۳۵-

(سارا شریفی)

موارد گزینه‌های «۳ و ۴» مربوط به منافع تولیدکنندگان از تجارت بین‌الملل و گزینه‌ی «۲» مربوط به منافع مصرف‌کنندگان از تجارت بین‌الملل است.

(اقتصاد، صفحه‌های ۱۵۵ و ۱۵۶)

ادبیات اختصاصی

۱۳۶-

(سپهر حسن‌فان‌پور)

تکیه‌ی اصلی جریان شعر در عصر فردوسی، بر حمایت از فرهنگ قومی و اهمیت و اعتبار بخشیدن به زبان فارسی است.

(تاریخ ادبیات (۱)، صفحه‌های ۴۱ تا ۴۳)

۱۳۷-

(سپهر حسن‌فان‌پور)

«یزدان‌شناخت» و «کشف‌المحجوب» از نثرهای عارفانه هستند اما «کشف‌الاسرار» یک نثر دینی به حساب می‌آید. آثار گزینه‌ی «۲» نثر علمی، آثار گزینه‌ی «۳» نثر ادبی و آثار گزینه‌ی «۴» نثر تاریخی هستند.

(تاریخ ادبیات (۱)، ترکیبی)

۱۳۸-

(سپهر حسن‌فان‌پور)

«هفت‌پیکر» یا «هفت‌گنبد» که گاهی «بهرام‌نامه» نیز خوانده شده، چهارمین داستان پنج‌گنج نظامی است که شاعر آن را در ۵۱۳۶ بیت به سال ۵۹۳ پرداخته است.

(تاریخ ادبیات (۱)، صفحه‌ی ۱۳۴)

۱۳۹-

(سپهر حسن‌فان‌پور)

فرانسه سرچشمه‌ی طبیعت‌گرایی بود و طبیعت‌گرایان فرانسوی خود را «نسل دوم» واقع‌گرایان به حساب می‌آوردند. آنان «بالزاک»، «فلور» و تا حدودی «استاندا» را پیشگامان مکتب خود می‌دانستند.

(تاریخ ادبیات (۱)، صفحه‌ی ۲۱۰)

۱۴۰-

(سپهر حسن‌فان‌پور)

«ضربان متقابل»، «سرودها» و «شخصیت‌ها» از «زرا پاوند»، «مهرداد»، «اسکندر کبیر»، «استر» و «بایزید» از «راسین»، «سوسک طلائی»، «کلاغ»، «سایه»، «نامه‌ی دزدیده‌شده» و «جنایت در کوی غسالخانه» از «ادگار آلن پو» و «فریاد»، «در قایق» و «او» از «فريت ادگو» هستند.

(تاریخ ادبیات (۱)، ترکیبی)

۱۴۱-

(مینا توکلی‌نژاد)

بیت صورت سؤال از «ایرج‌میرزا» است که عنوان «سعدی نو» را به خود اختصاص داد.

(تاریخ ادبیات (۲)، صفحه‌ی ۱۲۵)

۱۴۲-

(سایر رهمی‌زاد)

غزل‌های شهریار که یادگار دوران جوانی و روزگار یختگی شاعرند، به ویژه از لحاظ زبان و احساس در اوج قرار دارند.

(تاریخ ادبیات (۲)، صفحه‌های ۱۳۴ تا ۱۵۰)

۱۴۳-

(سایر رهمی‌زاد)

به ترتیب «تیرانا» اثر مهرداد اوستا، «ای خواب» اثر امیری فیروزکوهی و «شکوفه‌ها» از آثار حمیدی شیرازی است.

(تاریخ ادبیات (۲)، صفحه‌های ۱۵۴، ۱۵۷ و ۱۶۰)

۱۵۱- (رضا یان‌نثار، کونه‌شوری)
واژه‌های «سنگینت» و «زخندان» به دلیل تفاوت در مصوت بلند قیل از حروف الحاقی «ت» نمی‌توانند قافیه‌ی صحیح قرار بگیرند.

(اربیات فارسی سال چهارم، صفحه‌های ۸ تا ۱۲)

۱۵۲- (رضا یان‌نثار، کونه‌شوری)
در هر چهار گزینه قواعد قافیه طبق قاعده‌ی «۱» بوده، با این تفاوت که در گزینه‌ی «۳» قافیه فاقد حروف الحاقی است ولی گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» دارای حروف الحاقی می‌باشند.

(اربیات فارسی سال چهارم، صفحه‌های ۶ تا ۱۰)

۱۵۳- (نسرین حق‌پرست)

دا	د	گ	را	ت	را	ف	لک
-	U	U	-	U	-	U	-
دش	م	ن	دل	س	یا	و	ت

جر	ع	ک	ش	پ	یا	ل	باد
-	U	U	ش	U	-	U	-
غر	ق	پ	خویر	چ	لا	ل	باد

(اربیات فارسی سال چهارم، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۳)

۱۵۴- (سید همال طباطبایی نژاد)
وزن مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی «۲»: «مفاعیلن فاعلتن مفاعیلن فعلن (مجتث، مثنی مخبون محذوف)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: تکرار مفاعیلن (هزج مثنی مخبون سالم)

گزینه‌ی «۳»: فاعلتن فاعلتن فعلتن فعلن (رمل مثنی مخبون محذوف)

گزینه‌ی «۴»: فاعلتن مفاعیلن فعلن (خفیف مسدس مخبون محذوف)

(اربیات فارسی سال چهارم، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۵)

۱۵۵- (نسرین حق‌پرست)

در این بیت فقط اختیار وزنی ابدال در هجای ماقبل آخر هر دو مصراع آمده است و اختیارات زبانی ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند در هجای نهم مصراع دوم / بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در هجای دهم مصراع دوم / ابدال در هجای ماقبل آخر مصراع دوم

گزینه‌ی «۲»: بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در هجای هشتم مصراع اول / ابدال در هجای ماقبل آخر مصراع اول / بلند تلفظ کردن هجای پایانی مصراع دوم

گزینه‌ی «۴»: کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند در هجای یازدهم مصراع دوم، حذف همزه در هجای دوازدهم مصراع دوم

(اربیات فارسی سال چهارم، صفحه‌های ۳۴ تا ۳۸)

۱۵۶- (بهجت قمرزادگان)

بیت صورت سؤال بر وزن «مفعول مفاعیل مفاعیل فعلون» در بحر هزج مثنی مخبون محذوف محذوف می‌باشد.

(اربیات فارسی سال چهارم، صفحه‌ی ۵۲)

۱۵۷- (رضا یان‌نثار، کونه‌شوری)

سه گزینه‌ی اول در وزن دوری یا متناوب بوده ولی بیت گزینه‌ی «۴» در وزن «مفعولن مفعولن» فاعلن» است.

(اربیات فارسی سال چهارم، صفحه‌های ۵۸ و ۵۹)

۱۴۴- (سایه رمعی زارد)
یولیسیز از آثار جیمز جویس و آمریکا از آثار کافکا است.

(تاریخ ادبیات (۲)، ترکیبی)

۱۴۵- (نسرین حق‌پرست)

شعر فلسطین پس از ۱۹۴۸ نمایان‌گر تعالی فلسطینی‌ها از مردمی بدبخت و فراموش شده به انسان‌هایی مصلح، مقاوم و طغیان‌گر است.

(تاریخ ادبیات (۲)، صفحه‌ی ۱۹۳)

۱۴۶- (همید لثیان‌زاده اصفهانی)

تشریح گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱»: «طبل فروگوفتن حسن معشوق» تشخیص و استعاره‌ی مکتبه و «طبل عشق» تشبیه است.

گزینه‌ی «۲»: «کنار» و «کنار» به معانی «تزد» و «ساحل» جناس تام دارند. همچنین، شاعر در شدت اشک خود اغراق کرده‌است.

گزینه‌ی «۳»: «چشم» مست است و دهان «هی‌گون»، پس بیت لفظ و نشر مرتب دارد. هم‌چنین، به دلیل رنگ سرخ لب و می، دهان (مجاز از لب) به می تشبیه شده‌است.

گزینه‌ی «۴»: «روان» در دو معنای «جان» و «جاری» جناس تام دارد، اما بیت تشبیه ندارد. «چون روان از تن برود» کنایه است از «زمانی که انسان بمیرد».

(آرایه‌های ادبی، ترکیبی)

۱۴۷- (همید لثیان‌زاده اصفهانی)

بازگردانی بیت: حسود تو از آب تیغ تو مانند خاک خوار و از آتش سنان تو مانند باد بی‌آرام باد.

«تشبیه» و «لفظ و نشر مرتب» بیت مشخص است. «جناس تام» بین دو «باد» و مراعات‌نظیر بین واژه‌های «آب»، «آتش»، «خاک» و «باد» و نیز بین واژه‌های «تیغ» و «سنان» در بیت وجود دارد.

(آرایه‌های ادبی، ترکیبی)

۱۴۸- (همید لثیان‌زاده اصفهانی)

بیت گزینه‌ی «۱» لفظ و نشر مرتب دارد؛ «بزم سلطان» و «دل یار» خرم است، «بزم سلطان» و «خط یار» زیبا، «لفظ سلطان» و «لب یار» شیرین و «طلعت سلطان» و «رخ یار» انور. در این بیت «بزم» و «بزم» جناس دارند، تشبیه با ادات تشبیه «چو» به‌وجود آمده‌است و «دل»، «خط»، «لب» و «رخ» مراعات‌نظیر دارند.

(آرایه‌های ادبی، ترکیبی)

۱۴۹- (همید لثیان‌زاده اصفهانی)

بازگردانی بیت: اگر در این راه (راه عشق) سرم در سر سودای ایاز برود، عاقبت کار ستوده و نیکو خواهد بود.

«محمود» سلطان غزنوی بود که «ایاز» را بسیار دوست می‌داشت. بیت به داستان آن دو تلمیح دارد اما «محمود» در معنای «ستوده» به‌کار رفته‌است و با «ایاز» ایهام تناسب دارد. «سر برود» کنایه از مرگ است و «سر» دوم مجاز از «اندیشه» است. «سر» و «گر» و «در» نیز جناس دارند.

(آرایه‌های ادبی، ترکیبی)

۱۵۰- (سپهر حسن‌فان‌پور)

بیت «ج»: «منقار جان» اضافه‌ی استعاری و استعاره‌ی مکتبه است.

بیت «ه»: «به بقا رسیدن از مردن» و «رسیدن به بقا از فنا» تناقض است.

بیت «الف»: «سر» اول مجاز از اندیشه است.

بیت «د»: از ترکیب «دور قَدح» سه معنا می‌توان دریافت کرد:

۱- روزگار قَدح‌پیمایی و باده‌نوشی

۲- پیرامون قَدح

۳- گردش جام شراب در مجلس.

بیت «ب»: «گنج حضور» تشبیه است.

(آرایه‌های ادبی، ترکیبی)

عربی اختصاصی

۱۶۶-

(درویشعلی ابراهیمی)

«ضارٌ»: زیان رسان، ضرر زننده / «جداً»: واقعاً، بی‌شک، حتماً / «اذا استولی»: وقتی چیره شود، هنگامی که مسلط شود / «بترک»: رها می‌کند / «متلاشیة ساقطه»: از هم گسیخته و بی‌اعتبار، فروپاشیده و فرومایه / «لا سبیل لها»: هیچ راهی ندارد

(عربی سال چهارم، ترکیبی)

۱۶۷-

(امجد طریقی)

«لا یحرقون شیئاً من الشرِّ»: چیزی از بدی را حقیر (ناچیز) نمی‌شمارند / «وَ اِنْ»: اگر چه / «صَفْرُ فِی اَعْيُنِهِمْ»: در چشمان آنان کوچک باشد (در این‌جا) نکته‌ی مهم درسی: اگر فعل ماضی در جمله‌ی شرطی قرار بگیرد، معنای فعل مضارع را به خودش می‌گیرد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه‌ی «۱»: «یکی، خردمند بودن، کم اهمیت نمی‌دهند، تا مبادا»، در گزینه‌ی «۲»: «نشانه‌ای از، که ... پست و حقیر نشود»، و در گزینه‌ی «۴»: «هیچ‌گاه، تا ... کوچک به نظر نرسد» و معنی نکردن کلمه‌ی «شیئاً» نادرست است.

(عربی سال چهارم، صفحه‌ی ۱۸)

۱۶۸-

(سیرمهمعلی مرتضوی)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «... جز تو را ندارد» نادرست است. گزینه‌ی «۳»: «پس این، راز گریستن برای استجاب دعاست!» صحیح است. گزینه‌ی «۴»: «... برایش فقط امید (به) لطف خدا باقی مانده‌است!» صحیح است.

(عربی سال چهارم، ترکیبی)

۱۶۹-

(هسین رضایی)

با توجه به معنی بیت «وآن‌گاه که مردم گرفتار کج خلقی شوند، مجلس سوگواری وشبون و زاری برایشان به پا کن» این گزینه صحیح است: جامعه‌ی فاسد را مرده حساب کن و به حالش گریه کن!

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: بد اخلاقی باعث آندوه جوامع بشری می‌شود. گزینه‌ی «۲»: بر توست که بر انسان فاسد گریه کنی! گزینه‌ی «۳»: به اهل گناهان در حالی که نظاهر به پشیمانی می‌کنند، رحم نکن!

(عربی سال چهارم، صفحه‌ی ۷۳)

۱۷۰-

(هسین رضایی)

هرکس: «من» / سؤال کند (فعل شرط): «بیسأل» / نمی‌داند: «یجهل» / کم می‌شود (جواب شرط): «یقل»

خطاهای مهم گزینه‌های دیگر:

۲) «بدی»: می‌داند
۳) «بباید الی»: (در این‌جا) اقدام کند / «یقلل»: کم می‌کند
۴) «یقوم»: فعل شرط است و بعد از مجزوم شدن با حذف حرف عله (یقم) صحیح است.

(عربی سال چهارم، ترکیبی)

۱۵۸-

(سیر جمال طباطبایی نژاد)

در سه گزینه‌ی «۲، ۱ و ۳» سرزنش و بدگویی از معشوق مشاهده می‌شود که از ویژگی‌های واسوخت است. (ادبیات فارسی سال چهارم، صفحه‌ی ۱۰۵)

۱۵۹-

(سایر رمعی زار)

«نقد فنی» در ادب عربی و فارسی مهم‌ترین نوع نقد به‌شمار می‌رود و در دوم به دست «هوراس» بنیان می‌گیرد. (ادبیات فارسی سال چهارم، صفحه‌ی ۱۷۴)

۱۶۰-

(فائزه یعفری)

بیت گزینه‌ی «۲» مفهوم کلی عبارت صورت سؤال را بیان می‌کند و این دو به این معنا هستند که زر و سیم در نزد انسان بخیل و دنیا پرست همیشه پنهان است و آن را خرج نمی‌کند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: زر و مال را باید استفاده کرد و برای ذخیره کردن نیستند. گزینه‌ی «۲»: انسان جوان‌رمد مال خود را ذخیره نمی‌کند و هنگامی که مالی به دستش می‌رسد در همان لحظه و با دست دیگرش آن را استفاده می‌کند. گزینه‌ی «۴»: طبع بخیلی با تو همراه گشته و به همین راحتی از تو جدا نمی‌شود و رهایت نمی‌کند. (ادبیات فارسی سال چهارم، صفحه‌ی ۹۶)

۱۶۱-

(فائزه یعفری)

ایات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» به گریستن فراوان عاشق به خاطر رفتن معشوق اشاره دارند، اما بیت گزینه‌ی «۳» این تصویر را بیان نمی‌کند و زمان رحلت و وداع را به تصویر کشیده است.

(ادبیات فارسی سال چهارم، صفحه‌ی ۱۱۳)

۱۶۲-

(فائزه یعفری)

بیت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی «۱» هر دو به این مفهوم اشاره دارند که شرط نجات یافتن آدمی و رسیدن به آب حیات و به دست آوردن سلطانی، رهایی یافتن از جسم خاکی و تعلقات دنیوی است. (ادبیات فارسی سال چهارم، صفحه‌ی ۱۵۶)

۱۶۳-

(فائزه یعفری)

بیت گزینه‌ی «۳» با بیت صورت سؤال مفهوم مشترک دارد. (ادبیات فارسی سال چهارم، صفحه‌ی ۱۰۸)

۱۶۴-

(سیر جمال طباطبایی نژاد)

جانبازی و سراندازی عاشق راستین، مضمون مشترک عبارت سؤال و گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴» است. اما در گزینه‌ی «۱» شاعر از بهره‌مندی از وجود معشوق و عشق‌بازی حتی با نام معشوق سخن می‌گوید.

(ادبیات فارسی سال چهارم، صفحه‌ی ۱۵۳)

۱۶۵-

(سیر جمال طباطبایی نژاد)

مضمون مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی «۳»: «اسرار عشق را نامحرمان در نمی‌یابند.»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: اسرار عاشقانه‌ی نگاه ما نباید فاش شود. گزینه‌ی «۲»: عاشقان را در دل ناشای نیست. (غم دائمی عاشقان) گزینه‌ی «۴»: غم عشق تو نوشتنی نیست.

(ادبیات فارسی سال چهارم، صفحه‌ی ۱۰۱)



۱۷۱-

(اصمد طریقی)

تعریب صحیح عبارت فارسی این گزینه، این گونه است: «لَتُبَدَّلَنَّ أَنْ تَلْتَفُتَ يَعْتَبِرُ مِنْ أَهْمٍ أَسْبَابِ السَّعَادَةِ»

(عربی سال چهارم، ترکیبی)

۱۷۲-

(سیدمحمدعلی مرتضوی)

حرکت‌گذاری درست تمام عبارت به این شکل است: «إِنْ أُرِدْتُ أَنْ يُخَسِّمَ بِخَيْرٍ عَمَلَكَ حَتَّى تَقْبِضَ وَ أُنْتَ فِي أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ فَظَنَّمْ لِلَّهِ حَقَّهُ أَنْ تَبْدُلَ نِعْمَاءَهُ فِي مَعَاصِيهِ!»

(عربی سال چهارم، ترکیبی)

۱۷۳-

(اصمد طریقی)

حرکت‌گذاری درست کلمات در عبارت مورد سؤال، این گونه است: «فِي زَمَنٍ مُوسَى (ع) كَانَ لِلشَّحْرِ مَنْرِلَةٌ عَظِيمَةٌ عِنْدَ النَّاسِ فَأَبْطَلَ سِحْرَهُمْ بِمُجْرَبَةٍ؛ زَمَنٌ: مجرور به حرف جر است و چون مضاف است، توین نمی‌گیرد (رد گزینه‌ی «۲»)، كَانَ: فعل ماضی مبنی بر فتحه، الشَّحْرِ: مجرور به حرف جر «لِ»، مَنْرِلَةٌ: اسم مؤخر کان و مرفوع، عَظِيمَةٌ: صفت و مرفوع به تبعیت، عِنْدَ: مفعول‌فیه و منصوب، النَّاسِ: مضاف‌الیه و مجرور، أَبْطَلَ: فعل ماضی معلوم مبنی بر فتحه (ضمیر مستتر «هُوَ» فاعل آن است)، سِحْرٌ: مفعول به و منصوب، مُجْرَبَةٌ: مجرور به حرف جر «ب».

(عربی (۲)، صفحه‌ی ۳۶)

۱۷۴-

(درویشعلی ابراهیمی)

فعل «مَدَّتْ» فعل ماضی در صیغه‌ی للغائبه و ثلاثی مجرد و مضاعف است که ادغام دو حرف دال در آن واجب است (زیرا در ماضی مضاعف، از صیغه ۱ تا ۵ ادغام واجب است) و فعلی متعدی و مبنی بر فتحه است و فاعل آن «الجدَّة» می‌باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «صحيح و سالم» نادرست است.

گزینه‌ی «۲»: «أفعل و صفي - منصرف» نادرست است.

گزینه‌ی «۴»: «مصدر - نكرة - تقديرية» نادرست است.

(عربی سال چهارم، ترکیبی)

۱۷۵-

(اصمد طریقی)

«مَا السَّبَبُ؟» یک جمله‌ی اسمیه است که کلمه‌ی «مَا؟» که اسم استفهام است، در این‌جا خبری است که بر مبتدای خودش مقدم شده است و اسم معرفه‌ی «السَّبَبُ»، مبتدای مؤخر و مرفوع به اعراب ظاهری اصلی است.

کلمه‌ی «مَا» در صورتی که اسم باشد، اگر اسم موصول عام (موصول مشترک) باشد، اسم معرفه است، اما اگر اسم شرط یا اسم استفهام باشد، اسم نکره به حساب می‌آید.

نکته‌ی مهم درسی: هرگاه اسم استفهام «مَا؟» در ابتدای جمله‌ی اسمیه‌ی بیاید که بعد از این «مَا؟» یک اسم معرفه‌ی مرفوع داشته باشیم، در این حالت، کلمه‌ی «مَا؟» خبر مقدم است و آن اسم معرفه‌ی مرفوع که بعد از «مَا؟» آمده است، مبتدای مؤخر می‌باشد و به طور کلی در جمله‌ی اسمیه، هرگاه خبر از نوع اسم استفهام باشد، بر مبتدای مقدم می‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «مبنی علی الفتح» نادرست است.

توضیح: در تشخیص نوع بنای فعل‌های مبنی، باید به حالت آخرین حرف اصلی کلمه، توجه کنیم.

گزینه‌ی «۲»: «ممنوع من الصرف» نادرست است.

گزینه‌ی «۳»: «متعد» نادرست است، زیرا که «أظلم» به معنی «تیره شد، تاریک شد»، یک فعل لازم است. توضیح این‌که: بسیاری از فعل‌ها در باب افعال، در معنای «لازم» به‌کار می‌روند.

(عربی (۳)، صفحه‌ی ۱۵۸)

۱۷۶-

(فسین رضایی)

«تُسَبِّهُ»: مضارع للغائبه، واجب التأنیت است، زیرا فاعل آن، ضمیر مستتر «هی»، به مبتدا برمی‌گردد.

خطاهای مهم گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۲»: «المعلّمات»: فاعل مؤنث حقیقی با فاصله بعد از فعل آمده، فعل «تقوم» جایز التأنیت است.

گزینه‌ی «۳»: «مروضات»: فاعل با فاصله بعد از فعل آمده، فعل «سهرت» جایز التأنیت است.

گزینه‌ی «۴»: «الأنهار»: فاعل مؤنث مجازی بعد از فعل آمده، فعل «تجری» جایز التأنیت است.

(عربی سال چهارم، صفحه‌ی ۶)

۱۷۷-

(اصمد طریقی)

در این گزینه، کلمه‌ی «ما» که یک اسم موصول عام است، خبر است و البته این خبر، از نوع خبر مفرد می‌باشد و جمله‌ی فعلیه‌ی «وَقَفَّ ...»، جمله‌ی صله‌ی موصول است و نمی‌تواند خبر باشد.

نکته‌ی مهم درسی:

جمله‌ای که بعد از یک اسم موصول می‌آید تا معنی آن را کامل کند، جمله‌ی صله‌ی موصول است که محلی از اعراب ندارد و نمی‌تواند نقش بگیرد و هرگاه یک اسم موصول در جمله‌ی اسمیه بیاید و خبر بشود، این خبر از نوع خبر مفرد است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۲»: «جبل» خبر است که از نوع خبر مفرد می‌باشد.

گزینه‌ی «۳»: «مِن أَجْمَلِ» خبر است که این خبر از نوع شبه‌جمله (جار و مجرور) است.

گزینه‌ی «۴»: «لِلشَّيْخِ» یعنی جارّ و مجرور در ابتدای جمله‌ی اسمیه آمده است که این خبر، از نوع شبه‌جمله می‌باشد: «لِلشَّيْخِ» خبر مقدم و «مَوْلَاتِ»، مبتدای مؤخر است.

(عربی (۲)، صفحه‌ی ۱۸)

۱۷۸-

(اصمد طریقی)

در این گزینه، کلمه‌ی «مَن» اسم موصول و جمله‌ی صله‌ی آن، جمله‌ی فعلیه‌ی «فَدَمَ الحَذْرَ» است که ضمیر مستتر «هُوَ» که فاعل فعل «فَدَمَ» است، ضمیر عائد صله می‌باشد که حذف نشده است، بلکه به شکل پنهان در فعل، وجود دارد.

نکته‌ی مهم درسی: در جمله‌ی صله‌ی موصول، یک ضمیر وجود دارد که این ضمیر، به اسم موصول قبل از صله برمی‌گردد و باید با آن موصول، مطابقت داشته باشد. ضمیر عائد صله اگر مفعول‌به فعل متعدی باشد، می‌توانیم آن را در جمله بیآوریم و می‌توانیم آن را حذف کنیم. هم‌چنین اگر جمله‌ی صله، جمله‌ی اسمیه و مبتدای آن ضمیر منفصل باشد، می‌توانیم این ضمیر عائد را که مبتدایست حذف کنیم و می‌توانیم آن را بیآوریم و حذف نکنیم.

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه‌ی «۱»: فعل «كَسَبَتِ» در اصل به‌صورت «كَسَبَتِه» بوده است که این ضمیر «ه» یعنی مفعول‌به جمله به عنوان ضمیر عائد صله، حذف شده است.

در گزینه‌ی «۲»: «عَبَدْتُمْ» در اصل به‌صورت «هُوَ عَبَدْتُمْ» بوده است که ضمیر «هُوَ» یعنی مبتدای جمله به عنوان ضمیر عائد صله، حذف شده است.

و در گزینه‌ی «۳»: فعل «طَلَبْتِ» در اصل به‌صورت «طَلَبْتِهَا» بوده است که این ضمیر «ها» یعنی مفعول‌به جمله به عنوان ضمیر عائد صله، حذف شده است.

(عربی سال چهارم، صفحه‌ی ۱۷)

۱۷۹-

(اصمد طریقی)

کلمه‌ی «الإنسان» در این‌جا، مبتدای مؤخر (اسم مخصوص به مدح) است و باید مرفوع باشد. سایر گزینه‌ها درست هستند.

نکته‌ی مهم درسی: اگر فعل مدح در ابتدای جمله بیاید، این فعل با فاعلش به عنوان یک جمله‌ی فعلیه، خبر مقدم و محلاً مرفوع است و اسم مرفوع دوم که بعد از فاعل می‌آید و اسم مخصوص به مدح نامیده می‌شود، همیشه مبتدایست و اگر بعد از جمله‌ی خبری بیاید، مبتدای مؤخر به حساب می‌آید.

(عربی (۳)، صفحه‌ی ۱۳۲)

(آرمین معمار)

۱۸۷-

آتشکده‌ی آذرفرنبغ در فارس؛ مخصوص موبدان
آتشکده‌ی آذرگشنسب در آذربایجان؛ مخصوص شاهان و جنگجویان

(تاریخ ایران و جهان (۱)، صفحه‌ی ۸۵)

(فرشاد روبرباری)

۱۸۸-

حکومت مستبدانه‌ی کسانی مانند حجاج بن یوسف (والی خشن عبدالملک در عراق) فرصت
هرگونه اعتراضی را از مردم سلب کرده بود.

(تاریخ ایران و جهان (۱)، صفحه‌ی ۱۲۲)

(فرشاد روبرباری)

۱۸۹-

شاهرخ پسر تیمور که در خراسان به سر می‌برد، توانست حکومت را به دست بگیرد. او پایتخت را
از سمرقند به هرات منتقل کرد. شاهرخ از اتکای حکومت تیموری به اشراف و قبایل مغول و
ترک کاست.

(تاریخ ایران و جهان (۱)، صفحه‌ی ۱۶۳)

(فرشاد روبرباری)

۱۹۰-

در قرن ششم میلادی ژوستینیان یکی از امپراطوران بیزانس توانست بر قلمرو بیزانس بیفزاید و
به نظر می‌آمد که خواهد توانست روم باستان را احیا کند. اما جنگ‌های بیزانس با ساسانیان و
سیس مسلمانان آن حکومت را بسیار ضعیف ساخت.

شارلمانی با همراهی پاپ مسیحیت را در اروپا گسترش داد و نیز با مسلمانان که از طریق
اسپانیا وارد اروپا شده بودند جنگید. او حتی با خلافت عباسی رابطه برقرار کرد و بزرگ‌ترین
پادشاهی اروپا در نیمه‌ی اول قرون وسطا را شکل داد.

امپراطوری مقدس روم، پرچمدار مسیحیت در اروپا شد.

(تاریخ ایران و جهان (۱)، صفحه‌های ۱۸۰ و ۱۸۱)

(فاطمه سبایی)

۱۹۱-

در آغاز قرون جدید، انگلستان از یک سو صحنه‌ی کشاکش میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها و از
سوی دیگر میدان جدال پادشاه و پارلمان بود. در این ماجرا، شاخه‌ای از پروتستان‌ها، در
انگلستان پیروز شدند اما موضوع مهم‌تر، جدال پادشاه و پارلمان بود که اساسی‌ترین عامل
تجولات نظام سیاسی در انگلستان در این قرون به‌شمار می‌رود.

(تاریخ ایران و جهان (۲)، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

(فاطمه سبایی)

۱۹۲-

در اوایل قرن شانزدهم میلادی، یکی از نوادگان تیمور به نام ظهیرالدین بابر به شمال هند
حمله کرد. او ابتدا بر قسمتی از ملوآه‌النهر حکومت می‌کرد اما چون از بنکان به قلمرو او هجوم
آوردند، شکست خورد و به منطقه‌ی کوهستانی کابل پناه برد.

(تاریخ ایران و جهان (۲)، صفحه‌ی ۳۵)

(فاطمه سبایی)

۱۹۳-

فتحعلی‌شاه به انگیزه‌ی این‌که فرانسه می‌تواند متحد خوبی برای ایران در جنگ با روسیه باشد،
نماینده‌ی خود را برای انعقاد پیمان دوستی نزد ناپلئون در لهستان فرستاد و قرارداد «فین
کنشتاین» را با فرانسه امضا کرد. دولت فرانسه در جریان سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا، به
گرمی از او استقبال و پذیرایی کرد. پس از آن روابط ایران و فرانسه بیش‌تر جنبه‌ی فرهنگی
داشت.

(تاریخ ایران و جهان (۲)، صفحه‌های ۱۳۸ و ۱۳۹)

(عمارالدین صالحیان)

۱۹۴-

بعد از سخنرانی روشنگرانه‌ی امام خمینی (ره)، سرنگونی رژیم پهلوی به عنوان هدف نهایی
مبارزه مطرح شد و احزابی که با پذیرش اساس سلطنت در چارچوب قانون اساسی پهلوی
فعالیت سیاسی می‌کردند، محبوبیت و جاذبه‌ی خود را از دست دادند. با به صحنه آمدن افشار
جامعه در قیام ۱۵ خرداد، میان قشر روحانی و دانشگاهی پیوند تازه‌ای برقرار شد.

(تاریخ ایران و جهان (۲)، صفحه‌ی ۲۰۹)

(درویشعلی ابراهیمی)

۱۸۰-

عبارت «ما یک دانه» که یک جمله‌ی اسمیه است، نقش حال دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: کلمه‌ی «سوافر»: جمع: سافرة» حال مفرد است.

گزینه‌ی «۲»: فعل «تَرَعی» حال به صورت جمله‌ی فعلیه است.

گزینه‌ی «۴»: کلمه‌ی «مَرشدأ» حال مفرد است.

(عربی سال چهارم، صفحه‌ی ۶۱)

(عمارالدین صالحیان)

۱۸۱-

حرف «نَ» که از حروف مشبّهةبالفعل است، در ابتدای جمله و بعد از کلماتی نظیر «قال» با
همزه‌ی مکسور می‌آید. (نَ)

(عربی سال چهارم، صفحه‌های ۴۴ تا ۴۶)

(احمد طریقی)

۱۸۲-

اسمی که بعد از کلمه‌ی «غیر» می‌آید، مضاف‌الیه است، لذا حتماً باید مجرور باشد (رَدْ گزینه‌های «۲» و
«۴»). در عبارت صورت سؤال جمله‌ی قبل از «غیر» اگرچه منفی است، جمله‌ی کاملی است و هیچ
محدوفی ندارد، لذا، کلمه‌ی «غیر» در این جا، باید منصوب باشد (رَدْ گزینه‌ی «۳»).

نکته‌ی مهم درسی: اگر ادات استثنا به جای «إِلَّا» کلمه‌ی «غیر» باشد، در این صورت، اعراب کلمه‌ی
«غیر»، در حکم اعراب اسم بعد از «إِلَّا» است.

(عربی چهارم انسانی، صفحه‌ی ۷۰)

(صادق پاسکه)

۱۸۳-

عدد به صورت ترتیبی آمده و در این جا نیاز به تمیز ندارد.

در سایر گزینه‌ها به ترتیب: «شجاعة»، «ساعة» و «صبر» همگی تمیز هستند.

(عربی سال چهارم، صفحه‌های ۶۱ و ۶۲)

(ولی‌الله نوروزی)

۱۸۴-

فعل‌های «أقیما - أطيعوا» هر دو در باب «افعال» و از ریشه‌ی «قوم - طوع» هستند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: فعل «أمنوا» از ریشه‌ی «أمن» در باب «افعال» است.

گزینه‌ی «۲»: فعل «یری» از ریشه‌ی «رأی» است که هنگام تبدیل به مضارع، همزه‌ی آن ظاهر نمی‌شود.

گزینه‌ی «۴»: فعل «یأتی» از ریشه‌ی «أتی» مهموز است.

(عربی سال چهارم، صفحه‌های ۷۸ و ۷۹)

(صادق پاسکه)

۱۸۵-

در این گزینه جناس نداریم.

در سایر گزینه‌ها «یدعون»: دعوت می‌کنند و «یدعون»: ترک می‌کنند، جناس ناقص حرکتی، «أحسن»
(اسم تفضیل) و «أحسن» (فعل ماضی: نیکی کرد)، «خیر» (یک بار به معنای بهترین و بار دیگر به
عنوان مصدر و به معنی نیکی) جناس دارند.

(عربی (۳)، صفحه‌های ۱۶۰ و ۱۶۱)

تاریخ

(آرمین معمار)

۱۸۶-

داریوش فرماندهان نظامی را از میان پارسیان انتخاب می‌کرد، زیرا به آنان اعتماد بیش‌تری
داشت.

(تاریخ ایران و جهان (۱)، صفحه‌ی ۶۰)

۲۰۵- (علی‌مفید کرمی)
کاهش بارندگی‌ها و خشک‌سالی در جنوب صحرای آفریقا، به قحطی و گرسنگی منجر شده است.
(یغرافیای (۱)، صفحه‌ی ۱۳۳)

۲۰۶- (آرمین معمار)
سواحل سنگی و مرتفع، نسبت به سواحل پست و ماسه‌ای، پهنای کم‌تری دارند.
(یغرافیای (۲)، صفحه‌ی ۲۷)

۲۰۷- (آرمین معمار)
نقش و اهمیت کوهستان در رونق فعالیت‌های اقتصادی به این صورت است که بستر و محیط مناسبی برای تولید خاک، آب و سایر عناصر حیات‌بخش زندگی فراهم می‌کند.
(یغرافیای (۲)، صفحه‌ی ۵۶)

۲۰۸- (آرمین معمار)
نیزه از انباشته شدن برف‌ها بر روی هم و فشار حاصل از وزن آن‌ها به‌وجود می‌آید، یخساز توده‌ی یخ عظیمی است که شکل آن به‌صورت سرپوش می‌باشد و به پدیده‌ای که در قطب، اول تیر روز است و خورشید ۲۴ ساعت در بالای افق است، خورشید نیمه‌شب می‌گویند.
(یغرافیای (۲)، صفحه‌های ۸۷، ۸۹ و ۹۰)

۲۰۹- (آرمین معمار)
مهم‌ترین عامل توسعه‌ی حومه‌نشینی، بهبود وسایل حمل‌ونقل است.
مگالاپلیس‌ها به شکل خطی یا کریدوری هستند.
علت اصلی رشد سریع شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه مهاجرت زیاد از روستا به شهر است.
(یغرافیای (۲)، صفحه‌های ۱۲۰ و ۱۲۳)

۲۱۰- (آرمین معمار)
خلیج‌فارس در مرکز و قلب ناحیه‌ی جغرافیایی و سیاسی جهان اسلام قرار دارد؛ زیرا فاصله‌ی آن با کرانه‌های شرقی و غربی جهان اسلام تقریباً برابر است.
(یغرافیای (۲)، صفحه‌ی ۱۵۳)

۲۱۱- (مریم احمدی)
نمایش پدیده‌های سطح زمین در نقشه:
- نمایش پدیده‌های دوبعدی (پدیده‌های پلانیمتری)
- معمولاً در نقشه، پدیده‌های دوبعدی را به کمک علائم قراردادی نشان می‌دهند. مثلاً علائم نقطه‌ای (برای نمایش دادن پدیده‌هایی مانند شهر و روستا) یا علائم خطی (برای نمایش دادن مسیر خیابان‌ها، بزرگراه‌ها، رودها، جاده‌ها، مرزها و ... و ...)
- نمایش پدیده‌های سه‌بعدی (آلتیمتری)
نمایش دادن ناهمواری‌های سطح زمین در نقشه یکی از مهم‌ترین و مشکل‌ترین وظایف نقشه‌کشی در گذشته بوده است. چند روش نمایش ارتفاعات:
۱- نمایش ارتفاعات به کمک نورپردازی
۲- نمایش ارتفاعات به وسیله‌ی رنگ‌آمیزی نقشه: به عنوان مثال از رنگ زرد برای مناطق کم‌ارتفاع و از رنگ‌های قهوه‌ای و نارنجی برای نشان دادن مناطق بلند و بسیار بلند کوهستانی استفاده می‌شود.

(یغرافیای سال چهارم، صفحه‌ی ۵۶، ۵۸ تا ۶۰)

۲۱۲- (آرمین معمار)
بدون شک، برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری از منابع زمینی و مدیریت‌های محیطی نیازمند در دست داشتن اطلاعات پایه‌ای دقیق، قابل اعتماد و روزآمد است که فناوری سنجش از دور از این ویژگی‌ها برخوردار است.

(یغرافیای سال چهارم، صفحه‌ی ۸۵)

۱۹۵- (ماهان آشوری)
تصاویر صورت سؤال مربوط به دومین گروه ریاست جمهوری و نخست‌وزیری بعد از انقلاب است که توسط منافقین به شهادت رسیدند.

(تاریخ ایران و جهان (۲)، صفحه‌ی ۲۳۴)

۱۹۶- (علی‌مفید کرمی)
حافظه‌ی نفلان و سنت‌گرایی کهن‌سالان مهم‌ترین عوامل حفظ و توجه انسان به تاریخ تا زمان اختراع خط بود و صفت راستگویی مورخ به معنای امانتداری او می‌باشد.

(تاریخ‌شناسی، صفحه‌های ۶ و ۷)

۱۹۷- (علی‌مفید کرمی)
در اوایل حکومت داریوش یکم، گاه‌شماری اوستایی در ایران رایج شد و نخستین کیبسه به هنگام رسمیت بخشیدن به تقویم جلالی در ایران اعمال شد.

(تاریخ‌شناسی، صفحه‌های ۱۹، ۲۱ و ۲۲)

۱۹۸- (آرمین معمار)
علی‌حصوری نویسنده‌ی کتاب آخرین شاه با استناد به سکه‌های یافت‌شده معتقد است که پس از یزدگرد سوم، تعدادی از شاهزادگان ساسانی خود را پادشاه ایران نامیدند.

(تاریخ‌شناسی، صفحه‌ی ۷۹)

۱۹۹- (ماهان آشوری)
در مراحل اولیه‌ی پیدایش و رشد زبان فارسی دری، ادبیات تنها ابزار تبلیغی حکومت‌ها بود.

(تاریخ‌شناسی، صفحه‌ی ۹۷)

۲۰۰- (ماهان آشوری)
نشریات و به‌خصوص روزنامه‌ها، از نقد مورخان به دور نیستند، زیرا از نظر مورخان نمی‌توان همه‌ی مطالب آن‌ها را بدون ارزیابی پذیرفت.

(تاریخ‌شناسی، صفحه‌ی ۱۵۰)

جغرافیا

۲۰۱- (آذر موموری)
شکل، استان سمنان به تفکیک شهرستان را نشان می‌دهد.

(یغرافیای (۱)، صفحه‌ی ۴۱)

۲۰۲- (فاطمه سبایی)
زیست‌بوم‌ها مناطق عمده و وسیع محیطی‌اند که با پوشش گیاهی و جانوری خاصی مشخص می‌شوند. آب و هوای هر زیست‌بوم مشخص می‌کند که چه نوع جاندارانی به‌طور دائم در آن زندگی می‌کنند.
(یغرافیای (۱)، صفحه‌ی ۵۴)

۲۰۳- (فاطمه سبایی)
رود «راین» یکی از طولانی‌ترین و مهم‌ترین رودهای اروپا است. این رود با ۱۳۰۰ کیلومتر طول از سوئیس سرچشمه می‌گیرد و از کشورهای فرانسه، آلمان و هلند عبور می‌کند و در نهایت به دریای شمال می‌ریزد.

۲۰۴- (آزاده میرزایی)
از ابتدای قرن بیستم حجم فعالیت‌های گردشگری با صنعتی شدن جوامع افزایش یافته است. اصطلاح توریست از قرن نوزدهم معمول شد.

(یغرافیای (۱)، صفحه‌ی ۹۶)

۲۲۰- (آرزو مهریابا)
ابزاری دانستن علوم اجتماعی، امکان مقابله‌ی جامعه‌شناسی با ارزش‌های حاکم را از بین برد و به آن خصلتی محافظه‌کارانه نسبت به جهان و نظام اجتماعی موجود بخشید.
(جامعه‌شناسی (۱)، صفحه‌ی ۹۴)

۲۲۱- (آرزو مضموری)
بیت و آیه در ارتباط با شناخت اجتماعی قرآن است.
(جامعه‌شناسی (۱)، صفحه‌ی ۱۰۷)

۲۲۲- (ماهان آشوری)
از آن‌جا که بخش قابل توجهی از فرهنگ عمومی در خانواده منتقل می‌شود، خانواده را می‌توان یک نهاد فرهنگی دانست.
(جامعه‌شناسی (۲)، صفحه‌ی ۲۰)

۲۲۳- (آرزو مضموری)
محیط‌های جغرافیایی مختلف تأثیراتی در مناسبات و روابط اجتماعی می‌گذارند و در شرایط اقلیمی مختلف، فرهنگ‌های متفاوتی پدید می‌آید.
(جامعه‌شناسی (۲)، صفحه‌های ۳۰ و ۳۱)

۲۲۴- (مهران افشاری)
هویت فرهنگی جامعه بر مدار عقاید و ارزش‌های اجتماعی شکل می‌گیرد.
(جامعه‌شناسی (۲)، صفحه‌ی ۵۷)

۲۲۵- (آرزو مضموری)
قدرت فردی انسان محدود است و شروط اقتدار، مقبولیت و رسمی‌بودن است و مقبولیت و مشروعیت در معنای دقیق خود با یکدیگر تفاوت دارند.
(جامعه‌شناسی (۲)، صفحه‌های ۷۵ و ۷۷)

۲۲۶- (آرزو مضموری)
براساس هستی‌شناسی توحیدی، این ارزش‌ها سیرتی الهی و دینی دارند و به همین دلیل عمل به آن‌ها رفتاری صرفاً دنیوی یا اجتماعی نیست، بلکه یک وظیفه‌ی الهی است و مانند عبادات فردی سبب تقرب انسان به خداوند می‌شود.
(جامعه‌شناسی (۲)، صفحه‌ی ۸۸)

۲۲۷- (معتصومه رضا)
این گروه بین علوم طبیعی و علوم انسانی و اجتماعی تفاوتی واقعی قائل نیستند.
(علوم اجتماعی، صفحه‌ی ۸)

۲۲۸- (ماهان آزرپژوه)
عناصر و اجزای مختلف فرهنگ‌ها یکسان نیستند، برخی از عناصر فرهنگی، قابلیت تداوم و حتی انتقال از یک منطقه‌ی جغرافیایی و فرهنگی به مناطق دیگر را دارند ولی برخی دیگر چنین ظرفیت‌هایی ندارند.
(علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۱ و ۱۲)

۲۲۹- (ماهان آزرپژوه)
هریک از موارد مذکور، به ترتیب مربوط به استعمار فرانسه، قدیم، نو و نو می‌باشد.
(علوم اجتماعی، صفحه‌های ۲۰، ۲۱ و ۲۲)

۲۱۳- (آرمین معمار)
فراوانی و حجم زیاد اطلاعات مورد نیاز برای برنامه‌ریزی‌ها و نیز محدودیت ذهن انسان برای پردازش و نتیجه‌گیری از آن‌ها از یک‌سو و سرعت زیاد پردازش داده‌ها به وسیله‌ی رایانه‌ها از سوی دیگر، جغرافی‌دانان را به طراحی سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی، وادار کرده است. مدل‌سازی در مرحله‌ی سوم یعنی پردازش انجام می‌شود.

(مقراقی‌ای سال چهارم، صفحه‌های ۸۹ و ۹۲)

۲۱۴- (فاطمه سنایی)
در جغرافیا مشاهده‌ی مستقیم پدیده‌ها اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا انسان‌ها در محیط واقعی همه‌ی پدیده‌ها و اجزای آن را در مقیاس اصلی خود، به صورت ترکیبی می‌بینند و ارتباط آن‌ها را با سایر اجزاء درک می‌کنند. اما همیشه برای همه‌ی ما امکان ندارد که بسیاری از پدیده‌ها را به‌صورت مستقیم ببینیم و اطلاعات موردنظر را کسب کنیم. موارد ذکر شده در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴»، موجب شده است که جغرافی‌دانان برای مطالعه‌ی سیستم‌های دور از دسترس، از مدل استفاده کنند.
(مقراقی‌ای سال چهارم، صفحه‌ی ۱۰۱)

۲۱۵- (ماهان آشوری)
برای رسیدن به اهداف آمایش سرزمین باید بین نهاد‌های گوناگون هماهنگی وجود داشته باشد.
(مقراقی‌ای سال چهارم، صفحه‌ی ۱۱۶)

علوم اجتماعی

۲۱۶- (حسن قربری)
وسيله‌ی رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعی از جمله فواید علوم طبیعی به‌شمار می‌رود.
(جامعه‌شناسی (۱)، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۲۱۷- (حسن قربری)
در قرن نوزدهم، نوعی از حس‌گرایی که شناخت علمی را به دانش حسی و تجربی محدود می‌کرد، غالب شد. این جریان را اثبات‌گرایی یا پوزیتیویسم می‌نامند. آگوست کنت بنیان‌گذار این نوع از دانش اجتماعی به‌شمار می‌رود. جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، روش صرفاً حسی و تجربی را به‌عنوان روش علمی به‌رسمیت می‌شناخت.
(جامعه‌شناسی (۱)، صفحه‌ی ۳۱)

۲۱۸- (اعظم مضموری)
در نظام تعلیم و تربیت:
- دفتر، قلم، تخته‌سیاه و کلاس = نمادها
- برای دانا شدن باید به مدرسه رفت. = هنجار
- دانایی بهتر از نادانی است. = ارزش
- انسان تربیت‌پذیر است. = عقاید

(جامعه‌شناسی (۱)، صفحه‌ی ۵۴)

۲۱۹- (بهروز یحیی)
یکی از جامعه‌شناسان، حرکت طولی جوامع بشری را به دو مقطع تقسیم می‌کند. او جوامع مقطع نخست را «جوامع مکانیکی» و جوامع مقطع دوم را که مربوط به عصر جدید است، «جوامع ارگانیکی» می‌نامد، در جوامع مکانیکی، تقسیم کار شکل نگرفته است یا تقسیم کار در حد ساده و ابتدایی است؛ ولی در جوامع ارگانیکی، تقسیم کار گسترده وجود دارد.

(جامعه‌شناسی (۱)، صفحه‌ی ۷۱)

۲۳۸- (ماهان آشوری)
مفاهیم «ضاحک بودن و شاعر بودن» عرض خاص انسان هستند، پس «مؤخر از» تصور انسان می‌آیند. مفهوم «ناطق بودن»، فصل انسان محسوب می‌شود. در واقع مفهوم ذاتی است، پس «مقدم بر» مفهوم ذات (انسان) می‌آید.
(منطق، صفحه‌های ۱۶ و ۱۸)

۲۳۹- (ندرا یاری)
در قضایای حملی گاهی جای موضوع و محمول و ترتیب آن رعایت نمی‌شود، مانند بزرگ‌ترین حماسه‌سرای ایرانی فردوسی است و در قضایای شرطی گاهی جای مقدم و تالی عوض می‌شود.
(منطق، صفحه‌های ۳۴ و ۳۵)

۲۴۰- (مهمربارق لطفی)
در تداخل هرگاه قضیه‌ی کلی درست باشد، جزئی آن «حتماً درست» خواهد بود. در تضاد، اگر قضیه‌ی اصل درست باشد متضاد آن «حتماً غلط» است، زیرا مانع‌الجمع هستند، یعنی درست بودن هر دو محال و غیرممکن است.
در تناقض، اگر قضیه‌ی اصل درست باشد، نقیض آن «حتماً غلط» است، زیرا درست و غلط بودن هر دو قضیه محال است و همواره و ضرورتاً یکی درست است و یکی غلط.
عکس، چه مستوی باشد چه عکس نقیض، لازم‌الصدق است، یعنی اگر قضیه‌ی اصل درست باشد عکس آن حتماً درست است ولی اگر قضیه‌ی اصل غلط باشد عکس آن نامشخص و مجهول است، یعنی ممکن است درست یا غلط باشد.
(منطق، صفحه‌های ۳۶ تا ۵۲)

۲۴۱- (مهمربارق لطفی)
«استقرا» سیر ذهن از جزئی به کلی است، پس نتیجه‌ی آن همواره یک قضیه‌ی کلی است. استقرای تام، صرفاً در موضوعات محدود و کوچک قابل استفاده است. استقرای ناقص، کاربرد زیادی در علوم تجربی و ریاضیات دارد.
(منطق، صفحه‌ی ۵۷)

۲۴۲- (ندرا یاری)
مقدمه‌ی اول هر قیاس استثنایی یا شرطی منفصل حقیقی است یا غیرقابل جمع، یا غیر قابل رفع، و مقدمه‌ی دوم هم، درست بودن یا غلط بودن مقدم یا تالی همان مقدمه‌ی اول را نشان می‌دهد.
(منطق، صفحه‌ی ۶۹)

۲۴۳- (ندرا یاری)
نتیجه‌ی سالبه‌ی جزئی از هر سه شکل انتاج می‌شود (شکل اول، دوم و سوم) ولی ضروب منتج شکل‌های اول و دوم، ۴ ضرب و شکل سوم، ۶ ضرب می‌باشد. شرایط انتاج شکل دوم، کلی بودن کبرا و اختلاف دو مقدمه در کیف می‌باشد.
(منطق، صفحه‌های ۶۶ و ۶۷)

۲۴۴- (عاطفه‌ربابه صالحی)
در استدلال ذکر شده در صورت سؤال از معلول (مربع بودن) به علت (مساوی بودن چهار ضلع و عمود بودن اضلاع آن) پی‌برده‌ایم، پس برهان، برهان آتی است.
(منطق، صفحه‌ی ۸۳)

۲۴۵- (عاطفه‌ربابه صالحی)
در واقع در این صورت استدلال دچار مغالطه شده‌ایم، چون از وضع تالی، وضع مقدم نتیجه‌گیری شده است، که نادرست می‌باشد.
(منطق، صفحه‌های ۶۹ و ۸۸)

۲۳۰- (ماهان آشوری)
تصویر، عقاید و ارزش‌های جهانی اسلام را نشان می‌دهد که گزینه‌ی «۱» نیز در همین راستا آمده است، زیرا قرآن بر کوهی زمین قرار گرفته است یعنی متناسب با هر زمان و مکانی است.
(علوم اجتماعی، صفحه‌ی ۲۴)

۲۳۱- (ماهان آذربه)
در دوره‌ی رنسانس، فرهنگ غرب برای بسط ابعاد دنیوی خود، به‌سوی حذف پوشش دینی، قدم برداشت و در این راستا در نخستین گام به یونان و رم باستان بازگشت که با هدف عبور از مسیحیت بود.
(علوم اجتماعی، صفحه‌ی ۴۵)

۲۳۲- (ماهان آذربه)
جامعه‌ی اسلامی، شکست نظامی از مغول را با غلبه‌ی فرهنگی بر آنان جبران کرد.
(علوم اجتماعی، صفحه‌ی ۵۲)

۲۳۳- (ماهان آذربه)
دو عبارت اول به چالش بین رویکرد نظری و عملی کلیسا و عبارت سوم به چالش اربابان و قدرت‌های محلی یا قدرت کلیسا اشاره دارد.
(علوم اجتماعی، صفحه‌ی ۷۶)

۲۳۴- (آزر مهموری)
بیدارگران نخستین، به رغم رویکرد اعتراض‌آمیز به غرب آشنایی عمیق با فرهنگ غربی نداشتند و خطر غرب را بیش‌تر در رفتار سیاسی و اقتصادی آن می‌دیدند.
(علوم اجتماعی، صفحه‌ی ۱۱۰)

۲۳۵- (آزر مهموری)
با اوج‌گیری جنبش عدالت‌خانه، منورالفرکان غرب‌زده به آن پیوستند و در تحصن سفارت‌خانه‌ی انگلستان، نام مشروطه را برای آن برگزیدند. عالمان مسلمان ضمن استقبال از همراهی آنان، این نام را پذیرفتند.
(علوم اجتماعی، صفحه‌ی ۱۱۸)

فلسفه و منطق

۲۳۶- (عاطفه‌ربابه صالحی)
در ترکیب مفاهیم و تصورات (در تعریف منطقی)، به‌طور «طبیعی» به‌گونه‌ای عمل می‌کنیم که از مفاهیم و کلمات عام و «کلی‌تر» شروع کنیم و به مفاهیم «جزئی‌تر» برسیم. معرفت باید به‌گونه‌ای باشد که به‌طور کامل همه‌ی افراد و مصادیق مجهول ما را در بر بگیرد، نه این‌که فقط بعضی از مصادیق مجهول را شامل شود؛ یعنی باید جامع باشد.
(منطق، صفحه‌ی ۹)

۲۳۷- (عاطفه‌ربابه صالحی)
تعریف تصدیق «نادرست» است، چون این عبارت درباره‌ی تعریف است، نه تصدیق. تعریف فصل هم ویژگی مانع بودن را ندارد، چون این تعریف شامل عرض خاص هم می‌شود، اگر در تعریف این‌طور آمده بود: «کلی ذاتی‌ای که متمایز کننده‌ی یک ذات از ذات دیگر است» تعریف درستی بود.
(منطق، صفحه‌های ۶ و ۱۱)

(نرا یاری)

-۲۵۳

بیت مذکور، اشاره به اصل «سنخیت علت و معلول» دارد که نشان‌دهنده‌ی سنخیت و مناسبت خاصی است که میان هر علت با معلول خودش وجود دارد و در پرتو آن، نظام جهان انتظام می‌یابد.
(فلسفه‌ی سال چهارم، صفحه‌های ۳۴)

(نرا یاری)

-۲۵۴

در برهان اسدواخصر، علت‌العلل یا علت نخستین یا وجود قائم بذات یا همان واجب الوجود سرچشمه‌ی همه‌ی «علت‌ها و معلول‌های» دیگر است. حکما نه تنها بر بطلان تسلسل اقامه برهان کرده‌اند، بلکه وقوع دور را نیز محال می‌دانند (بطلان دور)
دور (چه مصرح باشد چه مضمرا) در هر حال مستلزم تناقض و ممتنع الوقوع است، زیرا در تحلیل عقلی به تقدم شی بر نفس خویش می‌انجامد.

(فلسفه‌ی سال چهارم، صفحه‌های ۳۵ تا ۳۷)

(نرا یاری)

-۲۵۵

از نظر فرابای نسبت رئیس به مدینه‌ی فاضله همانند نسبت قلب به بدن و نسبت «عقل فعال» (دهم) به طبیعت است.
(فلسفه‌ی سال چهارم، صفحه‌های ۴۹ تا ۵۱)

(عاطفه‌ریابه صالحی)

-۲۵۶

به اعتقاد ابن‌سینا، خداوند آفریننده‌ی عالم است و عشق او به همه‌ی مخلوقات در مراتب هستی جاری است و در هر مرتبه به شکلی جلوه‌گر می‌شود.
کل اشیا از عقول و از نفوس و از صور از مواد و غیر آن، از عشق حق برپاستی
(فلسفه‌ی سال چهارم، صفحه‌ی ۶۳)

(نرا یاری)

-۲۵۷

در جغرافیای عرفانی عالم هستی، مشرق نقطه‌ی تجلی نور وجود است و اشیا و موجودات در پرتو این تجلی ظاهر می‌شوند. مغرب نقطه‌ای است که در آن، این نور رو به تاریکی و غروب می‌نهد.
(فلسفه‌ی سال چهارم، صفحه‌های ۸۳ و ۸۴)

(مهم‌صارق لطفی)

-۲۵۸

ماه‌های عمده‌ی حکایات تمثیلی سهروردی را می‌توان در کتاب «قصه‌ی غربت الغریبه» یافت.
(فلسفه‌ی سال چهارم، صفحه‌ی ۸۵)

(مهم‌صارق لطفی)

-۲۵۹

در حکمت اشراق سهروردی است که اختلاف موجودات به شدت و ضعف نورانیت آن‌ها است و سهروردی است که از واقعیت اشیا، به نور تعبیر نموده و اختلاف موجودات را ناشی از شدت و ضعف نورانیت آن‌ها می‌داند.
(فلسفه‌ی سال چهارم، صفحه‌های ۱۰۳ و ۱۰۴)

(عاطفه‌ریابه صالحی)

-۲۶۰

ملاصدرا بر اساس «صالت وجود» به اثبات حرکت جوهری می‌پردازد و برای آن دلایل متعددی بیان می‌کند. صدرالمألهین انکار حرکت جوهری و ترس از گم شدن متحرک را از آثار عقیده به «صالت ماهیت» می‌داند.
صدرالمألهین معتقد بود وجود جسم طبیعی علاوه بر ابعاد سه‌گانه‌ی مکانی یک بعد و امتداد زمانی هم دارد؛ یعنی در «زمان» هم جاری است.
(فلسفه‌ی سال چهارم، صفحه‌های ۱۰۸ و ۱۰۹)

(عاطفه‌ریابه صالحی)

-۲۴۶

بحث از حقیقت ذهن آدمی و قواعد آن در شناخت عالم خارج یک بحث «فلسفی» است که باعث پیوند «فلسفه و روان‌شناسی» می‌شود. تبیین عقلانی «خوبی و بدی» در «فلسفه‌ی اخلاق» و تبیین عقلانی «زشتی و زیبایی» در «فلسفه‌ی هنر» بررسی می‌شود.

(فلسفه‌ی سال سوم، صفحه‌های ۷ و ۹)

(مهم‌صارق لطفی)

-۲۴۷

نظریه‌ی تشکیک وجود یا حقیقت متکک (ذومراتب) ملاصدرا در حکمت متعالیه بیان‌گر وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت موجودات است.

(فلسفه‌ی سال سوم، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳ و فلسفه‌ی سال چهارم، صفحه‌های ۱۰۲ و ۱۰۳)

(نرا یاری)

-۲۴۸

سقراط در مبارزه‌ی علمی خود علیه سوفسطائیان که همه‌ی دانش‌ها را اموری نسبی می‌دانستند و می‌پنداشتند که معیار ثابتی برای تشخیص درست و نادرست وجود ندارد، کوشش می‌کرد تا با بحث‌های فلسفی دقیق، نشان دهد که «هرچیزی» از تعریف ثابتی برخوردار است.
(فلسفه‌ی سال سوم، صفحه‌ی ۳۷)

(عاطفه‌ریابه صالحی)

-۲۴۹

شناختی که با استفاده از حواس به‌دست می‌آوریم، شناختی بی‌ارزش نیست، بلکه شناختی جزئی است و به‌خودی خود و بدون کمک ابزار دیگری به‌نام قوه‌ی عقل نمی‌تواند ما را به شناخت و معرفت حقیقی برساند.

(فلسفه‌ی سال سوم، صفحه‌های ۳۵ و ۳۶)

(عاطفه‌ریابه صالحی)

-۲۵۰

وجود بالقوه و مایه‌ی اولیه‌ای که در اثر تغییر و تحول به فعلیت می‌رسد، بیان‌گر «علت مادی» است و فعلیتی که یک شیء بالقوه در مراحل حرکت خود به‌دست می‌آورد، نشان‌گر «علت صوری» می‌باشد. علت صوری و علت مادی «علت‌های درونی» یک پدیده هستند.

علت مادی از «جنس» یک پدیده و علت صوری از «ماهیت و نوع» یک پدیده حکایت می‌کند.

(فلسفه‌ی سال سوم، صفحه‌های ۵۴، ۵۶ و ۵۷)

(عاطفه‌ریابه صالحی)

-۲۵۱

فلسفه می‌خواهد از ورای همه‌ی موجودات به «کل هستی» نظر کند و با یک «دید کلی» هستی را بشناسد. به همین جهت در تعریف فلسفه گفته‌اند: «فلسفه سیر و حرکت انسان است، به صورتی که جهانی شود عقلانی، درست مشابه و نظیر جهان عینی و خارجی»

(فلسفه‌ی سال چهارم، صفحه‌ی ۴)

(نرا یاری)

-۲۵۲

ازجمله مسائل مهمی که در فلسفه‌ی اسلامی مطرح می‌شود، اما در آرای حکمای یونان مشاهده نمی‌گردد، ملاک نیازمندی معلول به علت است. حکما ملاک نیازمندی معلول به علت را در «امکان ذاتی» یا «ماهوی» می‌دانند که امکان ذاتی عبارت است از این که شیء به حسب ذات و ماهیت خویش نه ضرورت وجود داشته باشد و نه امتناع وجود، بلکه ذاتاً هم قابل موجود شدن باشد و هم قابل معدوم شدن. متکلمان ملاک نیازمندی معلول به علت را در «حدوث» می‌دانند.

(فلسفه‌ی سال چهارم، صفحه‌های ۲۸، ۲۹، ۱۰۳ و ۱۰۵)

روان‌شناسی

۲۶۹- (رویا رهمانی)

در جریان رشد ناگهانی، نیاز به کلسیم، روی و آهن برای رشد استخوان‌ها و ماهیچه‌ها ۵۰ درصد بیش از دو سال قبل از آن است.

(روان‌شناسی، صفحه‌ی ۵۵)

۲۷۰- (رویا رهمانی)

در دوره‌ی عملیات عینی کودکان عملیات شناختی را در رفتارهای خودشان نشان می‌دهند و به این نتیجه می‌رسند که اشیا اگرچه از نظر ظاهری تغییر می‌کنند، همان اشیا هستند.

(روان‌شناسی، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

۲۷۱- (بهاره اکبری)

کودکان دبستانی در مقایسه با نوجوانان بیش‌تر دارای استدلال استقرایی هستند یعنی از دانش موجود خود که حاصل مشاهده‌ی واقعیات عینی و تجربیات شخصی آن‌هاست، به نتیجه‌گیری‌های کلی - درباره اشیا، افراد و حوادث طبیعی - دست می‌زنند.

(روان‌شناسی، صفحه‌های ۵۸ و ۵۹)

۲۷۲- (مینا توکلی‌نژاد)

در روان‌شناسی شناختی فرایندهای شناختی به صورت تفکیک شده مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در این دیدگاه شناخت از یک طرف شبکه‌ای بهم پیوسته و مرتبط از فرایندهاست که اطلاعات را به صورت نظام‌دار پردازش می‌کند و از طرف دیگر دارای زیرمجموعه‌های مستقلی است که اطلاعات را به شیوه‌های خاص پردازش می‌کنند و هریک دارای ویژگی‌های روان‌شناختی و فیزیولوژیکی خاص می‌باشند.

(روان‌شناسی، صفحه‌ی ۷۵)

۲۷۳- (مریم امیری)

منطقه‌ی پنجم بینایی و سلول‌های L، هر دو در ادراک حرکت نقش دارند.

(روان‌شناسی، صفحه‌ی ۷۸)

۲۷۴- (مینا توکلی‌نژاد)

توجه در این شرایط ابتدا به اطلاعات یک گوش و سپس به اطلاعات گوش دیگر جلب می‌شود.

(روان‌شناسی، صفحه‌ی ۸۳)

۲۷۵- (مریم امیری)

هر قدر یک کلمه در متن جمله‌ای که ظاهر می‌شود بیش‌تر قابل پیش‌گویی باشد دوره‌ی تثبیت و خیرگی کوتاه‌تر می‌شود. مجموعه‌ای از حرکات چشم همراه با دوره‌های کوتاهی به نام تثبیت و خیرگی ساکاداها نامیده می‌شوند.

(روان‌شناسی، صفحه‌ی ۱۰۶)

۲۷۶- (بهاره اکبری)

تعیین گروه یک مفهوم یادگیری عمقی درجه‌ی اول است.

(روان‌شناسی، صفحه‌ی ۹۱)

۲۶۱- (رویا رهمانی)

روان‌شناسان صرفاً نظریه‌هایی را درباره این که انسان چگونه رفتار می‌کند ارائه نمی‌دهند بلکه آن‌ها درصدد حمایت تجربی برای نظریه‌های ارائه شده با روش تحقیق علمی هستند.

(روان‌شناسی، صفحه‌های ۱۹ و ۲۰)

۲۶۲- (مینا توکلی‌نژاد)

تحقیق در روان‌شناسی کلاً یک امر آکادمیک است. هدف اصلی در تحقیقات بنیادین گسترش و افزایش دانش ما در پدیده‌ی موردنظر و به طور خاص رفتار است.

(روان‌شناسی، صفحه‌ی ۲۴)

۲۶۳- (بهاره اکبری)

رویکرد رفتاری جبرگرایانه است زیرا رفتار را ناشی از شکل‌گیری عوامل صرفاً محیطی دانسته و نقش عوامل درونی از قبیل انگیزش، ادراک، تفکر و ... را بیش از حد ناچیز به حساب می‌آورد.

(روان‌شناسی، صفحه‌ی ۱۴)

۲۶۴- (مریم امیری)

پیش‌بینی دقیق و از طریق آن فهم صحیح از پدیده‌ی موردنظر روان‌شناس را در حالتی قرار می‌دهد که می‌تواند پدیده‌ی موردنظر را تغییر دهد. برای مثال اگر نشان دهیم رفتار پرخاشگرانه در نتیجه‌ی تقلید می‌باشد و می‌توان از طریق ارائه‌ی نوع مناسب برنامه‌ی تلویزیونی آن را تغییر داد.

(روان‌شناسی، صفحه‌ی ۵)

۲۶۵- (رویا رهمانی)

در دوره قبل از قراردادی استدلال اخلاقی بر مبنای منفعت شخصی صورت می‌گیرد و رفتار اخلاقی از تشویق و اجتناب از تنبیه تأثیر می‌پذیرد.

(روان‌شناسی، صفحه‌ی ۶۱)

۲۶۶- (آذر مضموری)

اگرچه رشد یک فرایند پیوسته و مداوم است و حوادث گذشته در پیدایش حوادث آینده نقش دارد ولی متخصصان رشد معتقدند که براساس تغییرات گوناگون زندگی فرد، دوره‌ی رشد نیز می‌تواند به‌طور ناگهانی تغییر یابد. (انعطاف‌پذیری)

(روان‌شناسی، صفحه‌های ۳۴ و ۳۶)

۲۶۷- (آذر مضموری)

توانایی چنگ زدن از حدود ۶ ماهگی به بعد (زمان ایجاد هماهنگی بین حرکات دست و چشم) به وجود می‌آید.

(روان‌شناسی، صفحه‌ی ۴۳)

۲۶۸- (مریم امیری)

با رشد هیجانی و اجتماعی در دوره کودکی اول، کودکان ۶ ساله می‌توانند عواطف و هیجان‌های خود را نسبت به والدین و دوستان بدون زیاده‌روی و خودمخوری نشان دهند.

(روان‌شناسی، صفحه‌ی ۴۷)

-۲۷۷

(مریم احمدی)

کند بودن از از علایم وسواس فکری - عملی می‌باشد.

(روان‌شناسی، صفحه‌های ۱۳۶ و ۱۳۸)

-۲۷۸

(مینا توکلی‌نژاد)

رایج‌ترین پاسخ رفتاری در مقابل فشار روانی پاسخ جنگ یا گریز است. در این نوع پاسخ بدن تمام امکانات خود را بسیج می‌کند تا بتواند در مقابل تهدید مقابله کند. اگرچه پاسخ جنگ یا گریز می‌تواند در کوتاه‌مدت با عامل فشار روانی مقابله کند ولی در بلندمدت می‌تواند منجر به رفتارهای ناسازگارانه شود. پاسخ‌های رفتاری ما به فشار روانی تا اندازه‌ای می‌تواند تحت کنترل ما قرار گیرد.

(روان‌شناسی، صفحه‌ی ۱۳۲)

-۲۷۹

(آزر مهموری)

هدف از درمان پزشکی - زیستی کاهش یا از بین بردن علامت‌های همراه با اختلال‌های روانی است.

(روان‌شناسی، صفحه‌ی ۱۴۳)

-۲۸۰

(مریم احمدی)

عناصر روان درمانی: ارتباط کمک‌دهی (درمان)، فرد متخصص (درمانگر)، شخص درخواست کننده (مراجع)

(روان‌شناسی، صفحه‌ی ۱۴۲)